

**معاون وزارت داخله - بلی فعلا**

بهمان میزان يك صدور شصت خروار رأی گرفته شود پیشنهاد را هم اصلاح بفرمایند .

( جمعی از نمایندگان گفتند مذاکرات کافی است )

**رئیس -** آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند

( اغلب قیام نمودند )

**رئیس -** معلوم میشود کافی است . ماده مجدداً قرائت میشود و باورقه ای میگیریم .

( مجدداً بمضمون سابق قرائت شد )

**شیخ الاسلام -** یونجه را هم که نوشته اند با بودجه اختلاف دارد .

**مخبر -** کمتر است .

**شیخ الاسلام -** پس عیبی ندارد **رئیس -** آقایانیکه تصویب میکنند

ورقه سفید والا بگوید خواهند داد .

( در این موقع اخذ آراء بعمل آمده آقایان امیر ناصر و مستشار السلطنه اوراق را تعداد نموده نتیجه بقرار ذیل حاصل شد )

عده حضار ۷۱ ورقه سفید علامت قبول ۵۳ ورقه کبود علامت رد ۲ امتناع ۱۶

**رئیس -** عده حضار (۷۱) اشخاصی که قبول کردند (۵۳) پیشنهادی از طرف جمعی از نمایندگان شده است قرائت میشود:

(شرح ذیل قرائت شد)

در موضوع لایحه مصارف روشنائی و تعزیه داری اعتبار مقدسه و اما کن متبر که

سکه در روز شنبه ۲۳ شهر جاری مطرح و بالاخره آقای مخبر کمیسیون بودجه برای

طرح و توزیع صورت جزه آن لایحه را مسترد و بیش از مبلغ پنج هزار تومان و کسر از آن

وجوه نقدی در لایحه به اعتبار ارسال نمیشود و نظر به آنکه آخر سال است و میبایستی مبلغ مذکور به اعتبار ارسال شود لذا امضاء کنندگان ذیل پیشنهاد مینماییم که قسمت

اخیر راپورت کمیسیون مطابق شرح ذیل که هر گونه نظری از برای رسیدن بمصارف لازمه پیش بینی شده و البته موافق عقیده

سایر آقایان نیز می باشد (آن قسمتی از وجوه که مخصوص عراق است باید اساساً توسط

مأمور سیاسی ایران در بغداد بمتصدیان روشنائی داده شود و متصدیانیکه تا بحال

در طهران اخذ و دریافت میداشته اند فقط در هنده السنه مشغول بوده و باید بآنها پرداخته

شود .)

مجلس مقدس تصویب و اجازه فرمایند وزارت مالیه وجوه مذکور را بجهت مصارف

مخصوصه عتبات را تأذیه نموده که به عراق حرب ارسال تارفع شکایت جمعی از خدام

اما کن مقدسه بشود و بمصارف لازمه خود نیز رسیدگی باشد . با مضای سی و دو نفر از

نمایندگان .

**رئیس -** مخبر کمیسیون در این باب حرفی دارند؟

مخبر - آن روزی که در اینجا مذاکره این لایحه بود نظر بتقاضای آقایان اینطور تصمیم شد که صورت جزء این راپورت بطبع

برسد آن صورت هم بطبع فرستاده شد . حالاً اگر بعضی آقایان تفکیک آن را بخواهند

در اینجا برای بنده مقدور نیست مگر اینکه بکمیسیون رجوع شود بنده تصور می کنم تا آن وقت هم تمام صورت طبع و توزیع

شده است .

**رئیس -** پس میخواهید بماند برای جلسه دیگر . در این باب مخالفی نیست . (اظهاری نشد)

لایحه شورای دولتی مطرح است ( بعضی از نمایندگان - خیلی از شب گذشته است می ماند برای بعد )

**رئیس -** رأی میگیریم که جلسه ختم شود یا نه ؟ آقایانیکه تصویب میکنند جلسه ختم شود قیام فرمایند .

( اغلب قیام نمودند )

**رئیس -** معلوم می شود که باید جلسه ختم شود . جلسه آینده فردا دو ساعت و نیم

بغروب مانده .

( بعضی از نمایندگان - دو ساعت و نیم زود است دو ساعتی تعیین بفرمائید )

**رئیس -** رأی میگیریم به دو ساعت و نیم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند

( اغلب قیام نمودند )

**رئیس -** تصویب شد . موضوع مذاکرات اولاً قانون شورای دولتی در ثانی قانون

راپورت کمیسیون بودجه راجع به ورثه مؤید الممالک .

آقای حاجی میرزا عبدالوهاب . ( اجازه )

حاجی میرزا عبدالوهاب - بنده اولاً در دستور عرض داشتم یعنی راجع به تقدیم

تاخر آن و مقصود این است در عرض قانون شورای دولتی که فرمودند در مرتبه اول باشد

قانون انتخابات معین شود و قانون شورای دولتی در مرتبه دوم باشد این اول عرض

بنده ثانیاً عرض بنده راجع بلوایی بود که شاهزاده سلیمان میرزا در چندین قبل

از بین النهرین در پشت تربیون ارائه دادند و قرار شد که در شعبات کمیسیونی برای

رسیدگی باین کار انتخاب شود و این لوایح را ترجمه و طبع کنند استدعا میکنم که

تا کید بفرمایند که از شعبات این کمیسیون انتخاب شده زودتر تکلیف این کار معین

شود یکی دیگر هم راجع راپورت کمیسیون فوائد عامه است که شاهزاده میفرمایند

دکتر میلسو بعضی نظریات دارد در شب شبه هم هیئت تجار برای ترقی اقتصادات

جلسه کرده بودند و چهارده نفر از نمایندگان در آنجا دعوت شده بودند چون تا بحال

هنوز تکلیف آن معلوم نشده استدعا دارم تا کید بفرمایند که زودتر تکلیف آن

دارم تا کید بفرمایند که زودتر تکلیف آن

را معین نمایند .

عرض دیگر مراجع بکمیسیون مبتکرات بود و تمنا دارم تا کید بفرمایند که ماده

واحد که راجع بانخابات بود و بکمیسیون رفته است زودتر تکلیف آن را معین نمایند .

**رئیس -** آن لایحه که فرمودید پیش بنده است هر وقت از شعبات کمیسیون معین

شود بآنها داده میشود راجع به قانون انتخابات که در دستور مقدم شود مخالفی

نیست ؟

فتح الدوله - بنده مخالفم حاج میرزا عبدالوهاب - یکت آقای

فتح الدوله مخالفند

**رئیس -** رأی میگیریم آقایانی که تصویب میکنند قانون انتخابات مقدم باشد قیام فرمایند

( عده قیام نمودند )

**رئیس -** تصویب شد . آقای دولت آبادی .

( اجازه )

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - بنده عرضم راجع بلایحه شورای دولتی بود که جزو دستور شد

**رئیس -** آقای آقاسید یعقوب ( اجازه )

آقا سید یعقوب - بنده خواستم باز خاطر آقایان را متذکر کنم که یک قدمی

راجع بمنافع بردارند و این راپورت راجع بگوگرد و نمک را که منافع برای دولت و ملت دارد مقدم بر شورای دولتی بدارند که

اقلایك شور در او بشود و اگر نمی شود که بر شورای دولتی مقدم بدارند بنده پیشنهاد

میکنم که جزو دستور شود که لااقل نسبتاً نسیا نماند

**رئیس -** میخواهید در مرتبه اخیر جزو دستور شود ولی وقت نخواهیم داشت

آقای آقاسید فاضل ( اجازه )

آقاسید فاضل - عرضی ندارم

**رئیس -** آقای محقق العلماء ( اجازه )

محقق العلماء - عرضی ندارم

**رئیس -** آقای حاجی میرزا مرتضی حاج میرزا مرتضی - عرضی ندارم

**رئیس -** آقای کازرونی ( اجازه )

آقا میرزا علی کازرونی - اگر چه دیگر دستور معین شده ولیکن بنده عرض

میکنم که شاید مستعد شود برای جلسه دیگر میخواستم استدعا کنم که لایحه امتعه

وطنی چون شور دومش از کمیسیون فوائد عامه گذشته و لایحه اسیون راه آهن هم

مدتی است راپورتش داده شده آنهم ممکن است جزو دستور شود

**رئیس -** ممکن است راپورت راجع بامتمه

وطنی و نمک جزو دستور شود

آقای سدیدالملک ( اجازه )

سدیدالملک - گرچه دستور خیلی است ولی عرض میکنم بعضی جزئیات است که

زود میشود تمام کرد قرارداد ایران و مصر

چندی است شور اولش شده و یک مختصر وقتی میخواهد که مطرح شود و بگذرد

استدعا می کنم در اول دستور بگذارند که بگذرد

**رئیس -** آقای شیخ الرئیس شیخ الرئیس - عرضی ندارم

**رئیس -** آقای فتح الدوله ( اجازه )

فتح الدوله - عرضی ندارم

**رئیس -** آقای سهام السلطان ( اجازه )

سهام السلطان - عرضی ندارم

( مجلس دو ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد رئیس مجلس مؤتمن الملک

جلسه ۲۲۶

صورت مشروح یوم چهارشنبه ۲۵ برج دلو ۱۳۰۱ برابر ۲۷ شهر جمیدی الثانيه ۱۳۴۱

مجلس تقریباً ۲ ساعت قبل از غروب بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید .

( صورت مجلس یوم ۳ شنبه ۲۴ دلورا آقای امیر ناصر قرائت نمودند .

**رئیس -** آقای آقاسید یعقوب . ( اجازه )

**آقاسید یعقوب -** بنده در مسئله مأمورین ساوه عرض کردم بنا بر خبری که

دارم از طرف وزارت جنگ و وزارت داخله مفتش هم برای تفتیش عملیات حکومت آنجا

روان شده و در صورت مجلس مسئله حکومت ذکر شده ولی اسم مفتش ذکر نشده خوب است

مفتش هم نوشته شود چون اگر مفتش رفته باشد و رسیدگی نکرده باشد باید فکر

دیگری کرد و یک قدم دیگری برای اصلاحات آنجا برداشت .

**رئیس -** آقای شیخ الاسلام اصفهانی ( اجازه )

**شیخ الاسلام اصفهانی -** بنده در باب گندم نظمه تذکر دادم که در ماده

واحد پیش نهادی کمیسیون ۲۶۰ خروار نوشته شده و در بودجه وزارت داخله ۱۶۰ خروار

است و از طرف آقای مخبر و منصور الملک هم قبول شد ولی در این جا اشاره نشده است .

**رئیس -** آقای نصرت الدوله ( اجازه )

**نصرت الدوله -** چون اظهارات آقای شیخ الاسلام راجع ببودجه وزارت

داخله بود لهذا اجازه خواستم که اگر

مطالبی راجع به بودجه میفرمایند جواب عرضکنم ولی ملتفت نشدم مقصود ایشان چه بود اگر راجع بقسمت اعداد بود که اصلاح شد و مطابق با بودجه اصلی که چاپ شده است نوشته شده

رئیس - مقصود ایشان این است که پس از آنکه ایراد گرفتند و اصلاح شد ایراد ایشان هم در صورت مجلس نوشته شود لایحه شورای دولتی از مساده ۳۱ مطرح است

( آقای امیرناصر ماده ۳۱ را بشرح آتی خوانند )

ماده ۳۱ وظایف شورای دولتی از فرار ذیل است:

۱ تنقیح کلیه لوایح قانونی که از طرف دولت تهیه میشود،

۲ تنقیح کلیه طرح‌های قانونی که فوه مقننه بدولت ارجاع نماید.

۳ مذاقه کلیه قوانین و احکامی که باید بر طبق اصل ۴۹ متمم قانون اساسی از مقام سلطنت صادر شود،

۴ مذاقه در لوایح امتیازات و حق - الخیار ( ایسیون )

۵ مذاقه در نظامنامه های وزارت خانهها راجع با اجرای قوانین و احکام.

۶ مذاقه در امور عام المنفعه که از طرف دولت و یا فوه مقننه بشورای دولتی رجوع میشود.

۷ تصویب اعتبارات منضمه و یا فوق - العاده مطابق ماده ۲۸ قانون محاسبات عمومی مورخه ۲۶ ربیع الثانی ۱۳۲۹

۸ - مشارکت در تشکیل محکمه اختلاف .

۹ رسیدگی بتظلمات و اختلافاتی که بین اشخاص و ادارات دولتی بظهور می رسد .

تدوین مخبر کمیسیون - در جزء سوم از ماده ۳۱ لفظ ( در ) افتاده است و باید نوشته شود.

( مذاقه در کلیه قوانین )

( صحیح است )

رئیس - آقای آقا سید یعقوب.

( اجازه )

آقا سید یعقوب - چنانچه خاطر آقایان نمایندگان محترم مسبوق است بنده با قانون شورای دولتی و با تشکیل شورای دولتی هر دو مخالف بودم و ادله هم راجع به مخالفت خودم بیان کردم مسلم است اگر شخصی در یک مسئله مخالفت دارد بقدری که میتواند ادله و منطق اقامه میکند تا شاید بتواند اکثریت را حائز بشود و عقیده خود را پیش ببرد پس اگر در ضمن بیانات بنده تکرار یک ادله بشود ایرادی بر بنده نیست برای آنکه چون بنده با این قانون مخالف هستم ناچارم عقیده خود را تعقیب کنم .

بطریق خلاصه عرض کنم در مملکت

مایا آنکه خیلی از تشکیلات لازم که باید داشته باشیم نداریم و بعضی از قوانین که خیلی محتاج الیه مملکت ما است و حکومت شوروی آنها را لازم دارد نداریم و حقیقتاً بانبودن آنها چرخهای حکومت شوروی برانمی افتد مابانها توجه نمیکنیم و اهمیت نمیدهیم آنوقت میآئیم و متوجه میشویم به قانون شورای دولتی و وظایفی برای او معین میکنیم حالا به بنده اعتراض نفرمائید که بحث در کلیات نیست خیر بنده راجع به همین وظایفی که در ماده ۳۱ برای شورای دولتی معین کرده اند عرض دارم آنگاه می گویم که قبلاً عرض کردم من باب مقدمه بود

بنده میگویم ۱۷ سال است مملکت ما مشروطه شده و ما هنوز یک قانون محکمه وزراء که خیلی هم محل حاجت است نداریم و حالا هم که نوشته شده و بکمیسیون ارجاع شده است ابد از آن حرفی نمیزنیم و صحبت نمیکنیم کانه نسجت علیها عنا کب النسبان دیگر اسمی از آن برده نمیشود آن وقت میآیند و قانون شورای دولتی میکنند

برای شورای دولتی در این ماده که الان قرائت شدند وظیفه معین نموده اند در صورتیکه وظایف ۹ گانه را تماماً در سایر قوانین خودمان که از مجلس شورای ملی گذشته است معین نموده ایم از قبیل قانون اساسی و قانون محاسبات و نظامنامه داخلی . تمام آن وظایف در این قوانین مصرح است و از اتفاقات آقایان این قوانین را هم رفته ام و پیدا نموده ام و الان با دلیل خدمت آقایان عرض میکنم که مملکت ما ابد محتاج به وجود شورای دولتی نیست که فردا هم یک بودجه سنگینی تحمیل بمالیه این مملکت بشود و جماعتی را اینجا بگمارند و فواجب بدهند .

خبر ابد لازم نیست قبل تمام آقایان نمایندگان محترم بقدر امکان جدید دارند که مخارج زائمه را از میان بردارند نه اینکه خدای نخواستہ برای خاطر یک قانونی که هیچ نتیجه عملی هم ندارد یکبار گرانی بدوش مردم بیچاره بگذرانند .

وظایف را که اینجادر تحت ۹ ماده برای شورای دولتی معین کرده اند الان میخوانم و قضاوتش را موکول میکنم به انصاف آقایان محترم که آیا امروز با آن وضع ضیق مالیه مملکت و بانبودن قوانینی که بیشتر محتاج الیه است تا شورای دولتی و آیا بانبودن مجلس شورای ملی و داشتن کمیسیونها و زحمات زائده که آقایان نمایندگان میکنند آیا سزاوار است که یک شورای دولتی هم تشکیل بدهیم که دائماً لوایح از هیئت وزراء به شورای دولتی برود و از شورای دولتی بمجلس و از مجلس بکمیسیون و تبادل مراسلات بشود .

باین ترتیب یک لایحه قانونی خیلی مختصری را که میخواهم بگذرانم شش هفت

ماه بواسطه وجود محترم شورای دولتی باید ممتل بگذاریم ؟ جزء اول ماده سی و یک مینویسد : ( تنقیح کلیه لوایح قانونی که از طرف دولت تهیه میشود ) سابقاً هم عرض کردم قانون مقدس اساسی این مطلب را دارد و میفرماید : ( قوانین جدید که محل حاجت باشد در وزارت خانه های مسئول انشاء و تنقیح یافته بتوسط وزراء مسئول با از طرف صدراعظم بمجلس شورای ملی اظهار خواهد شد ) پس قانون اساسی که فرمان واجب - الاذعان مجلس و هیئت وزراء و سلطان است و تمام حقوق و تکالیف ما باید در تحت این قانون معین بشود و این وظیفه را معین نموده است دیگر بشورای دولتی چه احتیاج داریم ؟ که یک پول زیادی بدهیم ؟ جزء دومی می نویسد : ( تنقیح کلیه طرحهای قانونی که فوه مقننه بدولت ارجاع نماید )

طرح قانونی چنانچه در نظامنامه داخلی هم مصرح است بر دو قسم است و آقایان هم مسبوق هستند و لابد در نظرشان است . بنده ایراد نفرمائید که چرا اینقدر داد و فریاد میزنی و ما خودمان میدانیم . اگر بنده هزار فریاد هم بزنم مطابق فریاد آقایانی که لایحه نفت را عقب انداختند نمی شود و بنده میدانم که این لایحه ابد آفایده بحال مملکت ندارد و بیفزای یک بودجه سنگین تر دیگری ندارد ولی لایحه نفت فواید و منافع کلی دارد ماده ۳۳ نظامنامه داخلی که دستور العمل ماها است میفرماید ( هر طرحی را که نماینده پیشنهاد میکند باید بطرز قانون ماده بنده نوشته شده و دارای مقدمه که متضمن دلایل آن هست بوده باشد . طرح مذکور پس از آنکه ۱۵ نفر مذاکره آنرا تصویب کرده باشند کتبا بر رئیس داده می شود رئیس میتواند آنرا بکمیسیون مبتکرات رجوع نماید ) و اینکه در این ماده مینویسد ( رئیس میتواند ) در این جایی الواقع یک اجازه و اختیاری بر رئیس مجلس داده شده است ولی در مجلس سابقه پیدا کرده و این طور عمل شده است که تمام طرح های قانونی را اول بکمیسیون مبتکرات رجوع می نمایند و چون سابقه شده و اینطور عمل شده لذا حاجت پیدا کرده و هر وقت طرحی از طرف نماینده پیشنهاد بشود مطابق سابقه باید بکمیسیون مبتکرات برود و از دوره دوم مجلس تا حالا که دوره چهارم مجلس است این طور عمل شده که تمام طرح های قانونی اول بکمیسیون مبتکرات رفته است .

پس وقتی که طرح های قانونی به کمیسیون میرود در اینجا تنقیح و تحقیق می شود و مجدداً بمجلس می آید چنانچه در مجلس هم قابل توجه شد بکمیسیون مربوطه می رود و در آنجا دوشور میشد پس از آن باز میاید بمجلس و در مجلس هم دوشور میشد پس این جزء دوم هم باین عریضی که نمودم بی مورد است و نظامنامه داخلی این وظیفه را هم پیش

بیشی نموده است پس تصدیق بفرمائید در مملکتی که فوه علیه فقدان دارد و ده درصد بلکه در هزار هم عالم نداریم و با اینکه هنوز موفق نشده ایم که در قضایات بزرگ مان مدارس ابتدائی تأسیس بکنیم شورای دولتی هم فایده دارد ؟

آخر ملاحظه میفرمائید که معارف ما به چه حالی است آنوقت ما میگوئیم باید شورای دولتی داشته باشیم چرا ؟

چون در فلان مملکت شورای دولتی هست ؟ خیر آقا ما از شورای دولتی خیلی چیزهای واجب تر هم داریم که براتب بیشتر محتاج الیه ما است و وقتی آنها را تشکیل دادیم و تکمیل کردیم آنوقت می توانیم بگوئیم وجود شورای دولتی هم لازم است نه حالا .

و اما جزء سوم : مینویسد

( مذاقه در کلیه قوانین و احکامی که باید بر طبق اصل ۴۹ متمم قانون اساسی از مقام سلطنت صادر شود ) در اینجا هم قانون اساسی حدود قوانین و احکامی که برای اجرای قوانین لازم است از حقوق پادشاه قرارداد داده و پادشاه مطابق این قانون اجرائی قوانین لازم است از حقوق پادشاه قرارداد داده و پادشاه مطابق این قانون اساسی که طبع شده و در دست همه هست ( و باید اجرا شود ) حق صدور فرامین و احکام داراست پس وقتی که اصل ۴۹ متمم قانون اساسی محرز فرموده است که وقتی قوانین تصویب شد و به پیشگاه مقام سلطنت رفت پادشاه هم مطابق همین اصل قانون اساسی موظف است که برای اجرای آن دستخط کند و بگرچه احتیاجی دارد

که بشورای دولتی برود ؟ آن فرمانی که از کابینه پادشاه صادر شده است چه دلیل دارد که برود بشورای دولتی ؟

آیا این هم یک امر محتاج الیه است ؟ که سالی سی و چهار هزار تومان خرج کنیم که عبارت زمان پادشاه را شورای دولتی تصحیح نماید یا بیروزش برش پس و پیش نماید ؟ خیر عبارت فرمان پادشاه مثلاً صحیح است و محتاج بتصحیح کردن شورای دولتی نیست پس این هم که لازم نیست .

آمدیم سرفست چهارم : مینویسد مذاقه در لوایح امتیازات و حق الخیار در بین الهالین نوشته شده ( ایسیون ) مطابق بودجه مصوبه مجلس در وزارت فواید عامه یک کمیته باسم کمیته امتیازات هست و یکمده از آنجا حقوق میگیرند و کارشان هم این است که اول امتیازات میروند با آنجا پس از آنکه آنها یک ملاحظه و دقتی کردند آن وقت میاید به مجلس شورای ملی و از مجلس مقدس احاله میشود بکمیسیون فواید عامه و مطابق معمول هم در مجلس هم در کمیسیون شور اول و شور ثانی و شور در کلیات شد و درست حالاجی میشود آنوقت تصویب میشود و بلاوه تا بحال ملاحظه فرمودید



این قانون میبکند تذکر بدم که منقذ تاسیس شورای دولتی در ممالکی که تاسیس و تشکیل یافته و ما میخواستیم متابعت از آنها کرده باشیم این است که مرکز اجتماع یکمده اشخاص متخصص باشد. چون شورای دولتی در وظیفه مهم دارد:

یکی آن قسمتهای مربوط به تفتیح لوائح قانونی و نظامنامه ها است که جواب آقای حاج شیخ اسدالله رادرتنست بعدخواهم دادویکی هم رسیدگی بتظلمات است و برای این دووظیفه وسایر کارهایی که شورای دولتی بایند انجام بدهد اشخاص متخصص باین قانون بایستی جمع شوند و دراینکارها رسیدگی کنند.

این است فلسفه تاسیس شورای دولتی در ممالک که تاسیس نموده و فوایدی از آن برده اند و بعد از تجارب عمیق و تحقیقات دقیقیه رویه مخصوصی در تشکیل آن اتخاذ کرده اند. البته ما هم که میخواستیم از آنها متابعت کرده باشیم باید از تجربیاتیکه آنها کرده اند استفاده نموده شورای دولتی را در مملکت خودمان بهمان رویه تشکیل بدهیم و چون طرف اعتماد بودن نمایندگان و شرایط نمایندگی داشتن ایشان مستلزم این نیست که حتما هر و کیلی واجد مقامات دیگری هم باشد و بانام و کلانگی که اینجا جمع می شوند و طرف اعتماد مردم هستند در کلیه فنون متخصص باشند و مثلا میتوانند قانون گذاری نمایند.

از طرف دیگر هم تشکیل مجلس شورای ملی مستلزم قانون گذاری هم یکی از مسائل فنی است که تخصص های خیلی مهم لازم دارد در این صورت هیچ ضروری عیبی ندارد که شخصی در صورتیکه اطلاعاتی در یکقسمت نداشته باشد از دیگری سؤال کند و شورش نماید. باین حال البته آقایان تصدیق میفرمایند که شورای دولتی از این حیث هم لازم است که طرف شور نمایندگان معترم باشم و بعقد بنده این شوری نه تنها بدرد هیئت دولت و وزرا میخورد بلکه در در این قانون وظایف و خصایص مهمه برای آنها معین شده که وزرا هم نمیتوانند از آنها عدول کنند و باز نه تنها وظیفه شورای دولتی این است که لوائح قانونی را تفتیح و بعد بمجلس پیشنهاد نمایند بلکه باعتماد بنده آقایانی که بعد از امدار دوره پنجم دنیا میآیند خواهند دید که از این مرکز اگر انشاءاماده خوب تشکیل در دوره های بعد تکمیل شود) استفاده های بزرگ خواهد شد. ملاحظه فرمایند که ما راجعه بهین ایام اخیر بنائیم میتوانیم چند فقره قانون ذکر کنیم که بمجلس آمد و مادر کمسیون های مجلس که مشغول رسیدگی بآنها بودیم متوجه شدیم که این لوائح پیشنهادی دولت احتیاج فوق العاده به مشورت از اشخاص متخصص دارد. حالا نمیخواهم متخصص در آن قسمتهای را بگویم که

ببند جواب بدهند این قبیل متخصصین اصلا در مملکت کم داریم یا هیچ نداریم در شورای دولتی هم ناچار نخواهیم داشت خیر آن قسمتهایی را میگویم که شاید متخصصین آنها با سوابق عملی و اداری در مملکت هستند و ما بدبختانه در کمسیونهای خود نداشتیم؛ امیدواریم اگر این شورای دولتی تصویب شد و قانونش از مجلس گذشت ما بتوانیم یکچنین اشخاص را در آنجا جمع کنیم و آنوقت اگر یک طررحای قانونی را دولت تهیه نماید و یا خود ما تهیه کرده باشیم بعد از آنکه در آن مجمع بتفتیح رسید به مجلس پیشنهاد شود

بالاخره با این مقدمات نمی شود گفت که چون در قانون اساسی شورای دولتی را جزو مؤسسات شمرده و اسم نبرده اند دیگر ما شورای دولتی می خواهم چکنیم که شورای دولتی می خواهم از برای اینکه ارکان و قوانیکه منقذ از یکدیگر اند ما هم تناسب داشته باشند تا در وظائف یکدیگر مداخلت نکنند.

شورای دولتی یکی از قسمتهای خاصی برای اجرای فرمان است که بر طبق قانون صادر شده انتخاب کنند نظامنامه جداگانه می خواهد حالا شاید تا امروز بواسطه اینکه قانونگذاری سابقه زیادی در مملکت ما ندارد این قبیل مسائل در مملکت پیش نیامده باشد ولی آنها چیزهایی است که ممکن است وقتی پیش یابد و باید حتماً مجلس شورای ملی برای تهیه آنها یک چنین مؤسسه تاسیس نماید زیرا همانطور که آقای آقا سیدفاضل فرمودند در قسمت ۳ و ۴ و ۳ و ۴ و ۵ آقای آقا سید یعقوب و آقای حاج شیخ اسدالله تقریباً یک ایراد مشترک داشته است:

در قسمت پنجم که راجع بمداقه در نظامنامه ها است آقای حاج شیخ اسدالله را وقتی در ماده ۴۲ گفته شد که امور راجع بققرات ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ از ماده ۳۱ باید قبل از طرف دولت شورای دولتی ارجاع شود: ( جواب سؤالی است که فرمودید اگر در نظامنامه ها اختلاف نظری باشد دولت چه میکند) موافق این قانون دولت نمیتواند چنین نظامنامه ای را بدون اینکه بشورای دولتی فرستاده قبلا جلب نظریات شورای دولتی را بنماید بموقع اجرا گذارد و اینکه در قسمت پنجم نوشته شده است مذاقه در نظامنامه های وزارتخانه ها راجع با اجرای قوانین یا احکام و فرامین نظامنامه لفظی است که معنی آن در اصطلاح ولت هنوز آنطور که باید تعدیل نشده است و ممکن است دستورالعملی را که رئیس اداره نسبت به برنوسین خود ابلاغ نموده امش را نظامنامه بکنیم و البته باید بآن نظامنامه ها هم اهمیت داد ولی هر قسمتی که لفظ نظامنامه بآن شامل شود محتاج این نیست که بشورای دولتی برود

مقصود ما در قسمت پنجم این بود که این قبیل نظامنامه ها هم چون مهم است و ارتباط با قانون و قانونگذاری دارد باید بشورای دولتی برود گذشته از این سه مورد که فرض شده در موارد دیگر خواه این لغت اطلاعات صحیح باشد یا نباشد اهمیت آن را ندارد که ما بگوئیم آنها هم یک نظامنامه بقاعده میخورد و بخواهیم آنها را هم ( بقول آقای آقا سید یعقوب اشکال تراشی کرده) بفرستیم بشورای دولتی

حالا آقایان تصور نکنند که بنده در این اظهار می خواهم قول آقای آقا سید یعقوب را تصدیق کنم. خیر بنده نمیخواهم مثل ایشان بگویم که شورای دولتی اسباب

تجویز است و اگر هم بالفرض اسباب تعویق باشد نمی شود گفت این تعویق مضر است. هر قدر کارها بهتر و با مطالعه تر انجام بگیرد نتیجه اش بهتر است.

تعمیراتی که ضرر داشته و واسطه مطالعه نبوده است و اگر هم در ظاهر صورت مطالعه بنظر آمده در واقع مطالعه های حقیقی نیست. در حقیقت آنها کارهایی است که تولید اشکالات میکند و الا هر تعویقی که بواسطه مطالعه باشد نتیجه اش بهتر است از شتاب بی مطالعه که ما را بیک زحمتی بیندازد ( جمعی گفتند صحیح است)

حضرت الدوله - آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند در این ماده قسمتی که راجع بفرامین سلطنتی است و ما گفته ایم دقت در آفرامین باید در شورای دولتی بشود مقصود ما چه بوده؟ عرض میکنم هم در مورد نظامنامه ها و هم در مورد فرامین یکی از مهمترین وظایف شورای دولتی این است که سوابق را محفوظ می دارد و بواسطه محفوظ بودن سوابق دستورالعملها و احکام و فرامین که متضاد یکدیگر باشند صادر نمیشود

علت عمده دقت کردن در فرامین از این حیث است که ممکن است قانونی از مجلس گذشته و یک فرمانی هم بر حسب پیشنهاد وزیر وقت از طرف اعلیحضرت برای اجرای آن قانون صادر شده باشد آنوقت بعد از استفاده از آن مجلس بگذرد و فرمان دیگری هم ببینند و وزیر وقت از برای اجرای این قانون صادر شود بدون اینکه متذکر باشند و سابقه در نظرشان مانده باشد اقدامی بر ضد آن عمل ۱۰ سال پیش بنمایند لیکن وقتی یک شورای دولتی بود که تمام سوابق قوانین را تمرکز بدهد سابقه هر قانون و عملیات را رسیدگی مینماید و جلو اعمال متضاد و اجرای قوانین ضد یکدیگر را میگیرد و البته آقایان تصدیق می فرمایند این امر یکی از مسائل مهمه و برای سلامت مملکت همیشه لازم است زیرا مملکت را بسوی هر چه در هر حلقه سوق نمیده مگر قوانین دستورالعمل های متضاد که مردم در آنها متغیر میمانند و تکلیف خود را نمیدانند اما نسبت به آن قسمت تظلمات چنانکه گفته شد بزرگترین وظیفه شورای دولتی ( است آقای آقا سید یعقوب فرمودند که قانون اساسی مرجع تظلمات را اگر حقوقی است عدلیه قرار داده و اگر حقوقی نباشد فرمودند ما در قانون استخدام تکلیف آفرامین کردیم و فراموش نشده و بعلاوه در هر وزارتخانه یک شورای اداری هست بنده خیلی خوشوقت میشدم که اگر آقای آقا سید یعقوب مشاجرات و مذاکرات مفصل طولانی خودشان را در باره قانون استخدام فراموش نکرده باشند و بیاد آورند که تمام این بحث ها و توضیحات در آن موقع داده شد و تمام این مطالب حل گشت.

منجمله همین جا گفتیم شورای عالی اداری که از وزارتخانه ها است ارتباطی به

رسیدگی تظلمات ندارد بلکه مختص است بتظلمات داخلی اعضا نسبت بوظایف و دسیبیلین اداری خودشان ۱۰ و مخصوصاً بعد از بحث های طولانی این ماده را از قانون استخدام خارج کردیم و گفتیم در شورای دولتی خواهد آمد حالا آن ماده اینجا آمده است پس اگر در خاطر داشته میدانستند که مجلس شورای اداری بهیچوجه من الوجوه ارتباطی بتظلمات ندارد و تظلمات ممکن است حقوقی باشد در عین اینکه حقوقی نباشد یعنی حقوقی باشد از حیث اینکه ضرری بر مردم وارد شده است و حقوقی نباشد برای اینکه منشاء ضرر عمل و مامورین اداری دولت باشند و آنها بر طبق دستورهای اداری و در حین انجام وظایف خود کاری را خواست سهواً و خواه ممتدا مرتکب شده باشند که باین واسطه یک ضرری بر مردم رسیده باشد.

مقصود این قبیل تظلمات است که آنها را تظلمات اداری باید گفت و در قانون اساسی و قانون محکات حقوقی هم مرجع آنها را عدلیه قرار نداده است و اینکه آقای آقا سید یعقوب پیش بینی کردند بنده میخواستیم علا باین پیش بینی ایشان موافقت نکرده باشیم آقای مضر هم بواسطه کسالتی که دارند این وظیفه را ببنده رجوع کردند و خود ایشان هم ببنده اجازه می دهند بگوئیم تا بیرون تمام این مباحثات در قانون استخدام شده است و اما اینکه آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند چرا ما اینجا بطور مطلق گفته ایم که رسیدگی بتظلمات اختلافاتی که بین اشخاص و ادارات دولت بطور میرسد از وظایف شورای دولتی است جواب عرض میکنم که ما در اینجا فقط خواستیم انشاء یک اصلی بنمائیم و بگوئیم مرجع تظلمات مردم از مامورین دولتی ( چه استیفا در صورتیکه محکمه استیفا در شورای دولتی موجود باشد چه بدایتی که برای هر یک از آنها هم مواد و تکالیفی جداگانه معین خواهد شد شورای دولتی است و چون بموجب مواد دیگر تشریح این ترتیبات در محل خواهد بنستیم.

( گفته شد مذاکرات کافی است) رئیس - پیشنهادات قرائت می شود. ( بشرح ذیل قرائت شد) پیشنهاد میکنم از فقره اول ماده سی و یکم افزوده شود مذاقه در اختلافاتی که میان قوانین وزارتخانه ها و ادارات پیدای شود و تقاضای رفع آنها از مقامات مقننه ( ابراهیم زنجانی) پیشنهاد میکنم در ذیل فقره نهم افزوده شود. و رسیدگی بشکایات مستخدمین و مامورین دولت از وزرا و رؤساء مافوق در امور راجعه با استخدام و اداره و استیفا احکامی که از محاکم اداری صادر می شود بترتیب مقرر ( ابراهیم زنجانی)

ببنده پیشنهاد می کنم در آخر فقره نهم از ماده سی و یکم اضافه شود در حدود عملیات اداری.

( شیخ الاسلام اصفهانی) رئیس - ماده سی و دوم ( بعضیون ذیل قرائت شد) امروز مندرجه در فقرات ۳ و ۴ و ۵ ماده سی و یکم باید از طرف دولت قبلا بشورای دولتی ارجاع شود و ارجاع امور مندرجه در فقره ششم اختیاری و در موارد فقرات ۷ و ۸ و ۹ ماده مزبور شورای دولتی بر طبق قانون محاسبات عمومی و مواد این قانون رفتار خواهد نمود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب ( اجازه) آقای سید یعقوب - تا بحال تکلیف وظایفی که نسبت بقوانین بودجه طرحهای قانونی و چه قوانینی که از طرف وزارتخانه ها بمجلس رجوع می شد معین بود بهین جهت که الان صحبت شد که طرح قانونی ولایعه و امور قانونی مطابق قانون اساسی باید بتوسط وزراء و مجلس بیاید و حالا این ماده بنا به تصدیق خودتان این مطلب را نقض میکند زیرا در اصل سی و سوم قانون اساسی تصریح دارد که لوائح قانونی باید بتوسط وزراء مجلس بیاید و بکمسیون فرستاده شود از آنجا مجدداً بمجلس و شور و شور و دو باره برود کرد بکمسیون باز بیاید بمجلس شورای ملی و شامی گوئید باید بشورای دولتی فرستاده شود و بعلاوه ببنده می خواهم عرض کنم تمام این بیانات ( بعد از اینکه خیلی فرمایش فرمودید ) چون عرش تحقیق بود در اصل مطلب و بطن مسئله داخل نشده است.

ببنده نمی خواهم از نزاکت کلامی خارج شوم شما که بقول و عقیده خودتان این همه تحقیقات کردید و فلسفه فرمودید تازه اصل عرض ببنده ( که چه چیز ما را محتاج شورای دولتی کرده؟ ) جواب ندادید. اصل مدعی در عرایض ببنده این بود که چه چیز ما را بتاسیس شورای دولتی مجبور کرده و به آن چه احتیاج داریم؟ اگر نباشد آما امنیت داخلی مان بهم می خورد. معارف مان بر باد میرود؟ سیاست خارجی مان سیاست داخلی مان از بین می رود سرحدات مان خراب می شود انتظام مملکت مان مشوش میگردد؟ کدامیک از این امور ما را محتاج بشورای دولتی کرده است که الان آقایان کمسیون تصمصیم کرده اند ( با این بیاناتی که می فرماید ) یک شورای دولتی تاسیس و ایجاد نمایند. ببنده عرض کردم ما بشورای دولتی که قانون اساسی اصلا معین نکرده چه احتیاج داریم؟ آقایان شما که تمقبات اجرای قانون اساسی را می نمائید بیاید به بینه قانون اساسی برای شما مجلس بنا معین کرده است.

مجلس سنارا کان لم یکن و نسبتاً منسباً

گذا داده اید. شما که مجلس سنارا امیدانید باید تشکیل شود و در نطق افتتاحیه اعلیحضرت هم این مسئله را متذکر شدند و معین نمودند و همه مان دانیم که باید قوای مملکت متوازن و متوافق باشد یعنی نه افراط باشد نه تقریظ باید بمجلس سناباشد که اگر در مجلس شورای ملی تندروی واقع شد در اینجا یعنی در مجلس سناتحت انتظام در آید و ما حالا میگوئیم که این سنائی را که قانون اساسی ما را بآن ملزم کرده نمیخواهیم اما شورای دولتی را که هیچ احتیاجی بآن نداریم با جدیت فوق العاده که میخواهید بر ما تحمیل کنید.

ببنده می خواهم عرض کنم اصل سی و سوم قانون اساسی که از مجلس شورای ملی گذشته معین کرده است که قوانین باید بتوسط وزراء یا بصدور اعظم بمجلس برسد و الان میگوئیم بموجب ماده سی و دوم امور مندرجه در فقرات ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ۵ باید برود بشورای دولتی. اینکه قانون نمی شود.

مقانون می نویسیم که وزراء اجرا کنند نه شاهنامه که روی طاقچه بگذاریم. الان خدای نخواسته بعد از اینکه این قانون شورای دولتی از مجلس گذشت باید وزراء بپرنه اجرا کنند و در ضمن اجراء باید لوائح برود بشورای دولتی.

ببنده باز عرض میکنم ماده سی و سوم قانون اساسی معین کرده است که قوانین باید توسط وزراء بمجلس بیاید چه چیزی ما را ملزم کرده است که بیائیم و این ماده قانون اساسی را بنظر توضیح بدهیم و آنوقت یک واسطه قیابین هیئت دولت و مجلس شورای ملی تهیه کنیم.

ببنده از حضرت والا و آقای مضر سؤال کردم که احتیاج مملکت ما را بشورای دولتی که سالی صد هزار تومان برای ماتام خواهد شد بگوئید از چه جهت است اگر از جهت قانونی است قانون بسا میگوید ( مجلس سنا ) و شورای دولتی نمی گوید پس قانون اساسی ما را بمجلس سنا دعوت کرده است ما هم از اهل ایرانیم و میدانیم مملکت ایران محتاج چه چیز است. محتاج قوانین است. محتاج معارف است و محتاج احقاق حقوق است. محتاج این نیست که ما از برای هراحقاق حق بلکه عبقی تهیه کنیم که تمام مسائل برود در این چاه عمیق شورای دولتی. ببنده میگوئیم اگر شما میل دارید در یک مجلس تفنن هم برای وزراء تهیه نماید و بعداً بنام شورای دولتی برای تفریح در یکجا جمع کنید دیگر ملزم نفرمائید که قوانین بشورای دولتی برود

حضرت الدوله. خیر اینطور نیست آقای سید یعقوب - دیگر ملزم نکنید که همه چیز را بفرستید بشورای دولتی و بگذارید وزراء خودشان مختار باشند و

وقواین را مستقیماً بمجلس بفرستند اینک  
 بشورای دولتی روانه نمایند و آقایان  
 شورای دولتی هم زده بین عینکشان را  
 بیندازند و فتحهوضه قانون را معلوم و معین  
 کنند اینک ملزم می کنند که قوانین  
 برود بشورای دولتی من این مطلب را لازم  
 نمی دانم و جداً  
 مخالفم مخصوصاً با تمامش هم مخالفم زیرا  
 شما يك سدو زنجیری برای قوانین تهیه  
 میکنید کهنگذرد  
 يك مسئله دیگر در قانون اساسی می  
 فرماید قوای مملکتی بر سه قسم است قوه  
 مقننه قوه مجریه قوه قضائیه و شما فرمودید  
 شورای دولتی قوه مجریه است یعنی چه؟ بنده  
 نفهمیدم کجای قانون اساسی دارد که شورای  
 دولتی قوه مجریه است و نمایندگانش شورای دولتی  
 دارای چه قوه است و بنده با قانون شورای  
 دولتی مخالفم زیرا مخالف است با صریح  
 قانون اساسی که قوای مملکت را بر سه  
 قسم تقسیم کرده است

مجلس نمایند تصیری هم ندادند لکن برای  
 اینک قدری کادرولتها کمتر شود تأسیس  
 شورای دولتی را لازم دانستیم که قدری  
 بوزراء كك كك کنند و بلاوه هر وزارتخانه  
 هر لایحه قانونی که لازم دارد مطابق صریح  
 اصل سی و سوم در خود آن وزارتخانه انشاء  
 میشود ولی خود وزیر بهتائی لایحه قانونی  
 را انشاء نمی کند بلکه روسای ادارای وزارتخانه  
 خودش را مأمور میکنند که بروید و لوائج  
 قانونی را جمع بفران موضوع تهیه نمایند و  
 خود وزیر هم اگر در این ضمن نظر پائی دارد  
 در آن لایحه میگنجانند و ما خواستیم در  
 آن قانونی که انشاء میشود بیشتر و بهتر در  
 اودقت شود لذا گفتیم بشورای دولتی مراجعه  
 شود يك علت دیگر از برای لزوم تأسیس  
 شورای دولتی هم این است که ما باید سعی  
 کنیم قوانین که وضع میشود معارض و  
 متناقض یکدیگر نباشند مثلا وزارت داخله  
 يك قانونی وضع میکند و يك قانونی هم  
 وزارت معارض تهیه می نماید و ممکن است  
 این دو قانون در موقع اجراء  
 با یکدیگر معارض بشوند آنوقت در کجا  
 باید این اختلاف رفع بشود؟  
 باید بشورای دولتی مراجعه شود که  
 رفع اختلاف و معارضه آنها را بنماید  
 کلیات فرمودند تکرار میکنند

خانۀ بیاید و بنده و جنابعالی ۴ ماه در  
 کمسیون آنرا اصلاح کنیم پس وزارتخانه  
 در ظرف چندماه آنرا باید بنویسد؟  
 برای اینکه خوب متوجه بشوید تند کراً  
 عرض میکنم البته در نظر دارید که چقدر  
 لوائج عجیب و غریب بمجلس آمده و تاموقفی  
 هم که این شورای دولتی تشکیل نشود  
 باز خواهد آمد  
 راجع بانیکه فرمودند (نظامنامه داخلی  
 گفته است که طرح های قانونی باید بیسه  
 کمسیون مشکرات برود و در آنجا بشورای  
 دولتی ارجاع کرده اند) اگر باز در عبارت  
 دقت بفرمائید تصدیق خواهد کرد که ما  
 بین این جزء قانون و نظامنامه داخلی  
 تعارض نیست زیرا عبارت این است  
 تنقیح کلیه طرح های قانونی که قوه  
 مقننه بدولت ارجاع نماید یعنی اگر قوه  
 مقننه صلاح دانست یک طرح قانونی بدولت  
 ارجاع شود آنوقت باید این طرح قانونی به  
 شورای دولتی رجوع شود و اگر صلاح  
 ندانست که رجوع نمیشود  
 پس چه منافاتی بانظامنامه داخلی دارد  
 هر چه مجلس رأی داد محترم است بنا بر  
 این دیگر بنده لازم نمیدانم زیاد در این  
 قسمت صحبت کنم  
 این وظایف مهم و لازم الا حرا است  
 و این مؤسسه هم برای انجام این وظایف  
 مقرر میشود و نظر بجهانی ما بین این وظایف  
 در این لایحه که از طرف دولت آمده  
 است تفکیک شده وظیفه اول و دوم و سوم  
 و چهارم و پنجم از طرف دولت باید قبلاً  
 بشورای دولتی ارجاع شود و تا ارجاع  
 نشود منافع عمومی تأمین نمیشود اما جزء  
 ششم یعنی مذاقه در امور عام المنفعه که از  
 طرف دولت بآنجا مراجعه میشود اختیاری  
 است اگر میل دولت هست ارجاع میکند  
 میل دولت نیست ارجاع نمیکند اما اجرا  
 قید اختیاری شده است  
 زیرا لازم است حدود وظایف هر مؤسسه  
 معین باشد و اگر ما در اینجا اسم نبریم و در  
 هیئت دولت صلاح ندانند که يك قسم از امور  
 عام المنفعه را بشوری دولتی بفرستند آنوقت  
 شورای دولتی حق نداشته باشد اعتراض  
 بکند برای اینکه این حرف را نزنند در  
 اینجا پیش بینی شده که اختیاری باشد و در  
 موارد فقرات هفتم و هشتم و نهم ماده مزبور  
 شورای دولتی بر طبق قانون محاسبات عمومی  
 و مواد این قانون رفتار خواهد نمود در اینجا لازم  
 میدانم توضیحاً جواب آقای حاج شیخ اسدالله  
 را هم عرض کنم فقره هفتم می نویسد تصویب  
 اعتبارات منضمه و یا فوق العاده مطابق  
 ماده بیست و هشتم قانون محاسبات عمومی  
 مورخه بیست و ششم ربیع الثانی ۱۳۲۹ فقره  
 هشتم میگوید مشارکت در تشکیل محکمه  
 اختلاف فقره نهم رسیدگی بظلمات و  
 اختلافاتی که بین اشخاص و ادارات دولتی  
 بظهور میرسد آنوقت این عبارت هم ملحق

بجزه نهم می شود که بر طبق مواد این قانون  
 رفتار خواهد نمود بنا بر این رفع سوء تفاهم ها  
 می شود باین ترتیب که در موارد فقرات هفتم  
 و هشتم و نهم ماده مزبور شورای دولتی بر  
 طبق قانون محاسبات عمومی و مواد این قانون  
 رفتار خواهد نمود محاسبات عمومی هم  
 راجع بقدره هفتم است و مواد این قانون  
 چهارم بمملکت بنماید قرارداد دادند تذکر  
 های مکرره نیز از طرف اتحادیه پایتخت و  
 سایر هیئت های تجاری ایالات و ولایات شده  
 است و در کمسیون مربوطه باین امر که  
 کمسیون فواید عامه باشد جلسات عدیده  
 تشکیل و این مسئله را در نظر گرفته بدولت  
 های وقت شدت ضرورت اصلاح این امر و  
 رحل و تصفیه این مسئله مهیه را خاطر نشان  
 کرده اند و بطور جدی تقاضا نموده و خواستار  
 شدند که يك زمینه عملی بطور پیشنهاد به  
 مجلس تقدیم کنند تا مجلس بتواند او را  
 بوقوع عمل گذارد و بمقصود برسد این نظریه  
 و این مقصود مهم حیات بخش مطالعات مقدماتی  
 خودش را در حکومت های سابقه بانجام رسانید  
 و نزدیک بود در ضمن مطالعات مجلس و در  
 نتیجه تا کیدات رئیس محترم آن که حقیقتاً  
 در این نوع مسائل مساعی جمیله بذول  
 میدارند این مسئله را بموقع عمل بیاورند  
 و بجایه بطور خلاصه در این اولین جلسه که  
 کابینه جدید در مجلس حضور بهم رسانیدند  
 نظر بانیکه گمان میکنم تمام آقایان نمایندگان  
 یعنی جامعه مجلس باین نظریه هم عقیده  
 باشند با آقای رئیس الوزراء و آقایان وزراء  
 کنونی تذکر میدهم که این نظریه را سر لوجه  
 مراسم عملی خود قرارداد ( نه تنها اتحادیه  
 تجار و هیئت محترم مجلس شورای ملی )  
 بلکه جامعه ایران را مرسوم عملیات حیات  
 بخش خود نموده و این مسئله را مقدم بر سایر  
 مسائلی که البته در مرام خودشان منظور  
 خواهند داشت مقدم بدارند و البته آقایان  
 محترم باین نظریه که منافع آن بطور عموم  
 خواهد نمود ملت ایران خواهد شد موافقت  
 خواهند نمود  
 رئیس الوزراء در هفته آتی که بر گرام  
 دولت تقدیم مجلس می شود ملاحظه خواهید  
 فرمود که این فقره کاملاً و با نهایت جدیت  
 محل توجه دولت است ولی اینرا هم خاطر  
 نشان میکنم که یک قسمت از عملی شدن آن  
 منوط بمساعدت آقایان است البته در پروگرام  
 ملاحظه خواهید فرمود که این مطلب یکی  
 از مسائلی است که دولت در درجه اول آنرا  
 منظور داشته است

توجه وائی فرموده اند دیر زمانی است که  
 اقتصاد این مملکت دچار يك بحران و فشار فوق  
 العاده شده و موازنه صادرات و واردات  
 این مملکت بکلی از دست رفته است  
 از آتی رأی افتتاح مجلس چهارم تمام دستجات  
 سیاسی نیز این مسئله مهیه را جزو مرام عملی  
 خود و خدمتائی که در نظر داشتند در دوره  
 چهارم بمملکت بنماید قرارداد دادند تذکر  
 های مکرره نیز از طرف اتحادیه پایتخت و  
 سایر هیئت های تجاری ایالات و ولایات شده  
 است و در کمسیون مربوطه باین امر که  
 کمسیون فواید عامه باشد جلسات عدیده  
 تشکیل و این مسئله را در نظر گرفته بدولت  
 های وقت شدت ضرورت اصلاح این امر و  
 رحل و تصفیه این مسئله مهیه را خاطر نشان  
 کرده اند و بطور جدی تقاضا نموده و خواستار  
 شدند که يك زمینه عملی بطور پیشنهاد به  
 مجلس تقدیم کنند تا مجلس بتواند او را  
 بوقوع عمل گذارد و بمقصود برسد این نظریه  
 و این مقصود مهم حیات بخش مطالعات مقدماتی  
 خودش را در حکومت های سابقه بانجام رسانید  
 و نزدیک بود در ضمن مطالعات مجلس و در  
 نتیجه تا کیدات رئیس محترم آن که حقیقتاً  
 در این نوع مسائل مساعی جمیله بذول  
 میدارند این مسئله را بموقع عمل بیاورند  
 و بجایه بطور خلاصه در این اولین جلسه که  
 کابینه جدید در مجلس حضور بهم رسانیدند  
 نظر بانیکه گمان میکنم تمام آقایان نمایندگان  
 یعنی جامعه مجلس باین نظریه هم عقیده  
 باشند با آقای رئیس الوزراء و آقایان وزراء  
 کنونی تذکر میدهم که این نظریه را سر لوجه  
 مراسم عملی خود قرارداد ( نه تنها اتحادیه  
 تجار و هیئت محترم مجلس شورای ملی )  
 بلکه جامعه ایران را مرسوم عملیات حیات  
 بخش خود نموده و این مسئله را مقدم بر سایر  
 مسائلی که البته در مرام خودشان منظور  
 خواهند داشت مقدم بدارند و البته آقایان  
 محترم باین نظریه که منافع آن بطور عموم  
 خواهد نمود ملت ایران خواهد شد موافقت  
 خواهند نمود  
 رئیس الوزراء در هفته آتی که بر گرام  
 دولت تقدیم مجلس می شود ملاحظه خواهید  
 فرمود که این فقره کاملاً و با نهایت جدیت  
 محل توجه دولت است ولی اینرا هم خاطر  
 نشان میکنم که یک قسمت از عملی شدن آن  
 منوط بمساعدت آقایان است البته در پروگرام  
 ملاحظه خواهید فرمود که این مطلب یکی  
 از مسائلی است که دولت در درجه اول آنرا  
 منظور داشته است

طرف عموم اهالی آذربایجان تبریکات صمیمانه  
 خود را بایشان تقدیم نموده و متشکرم زیرا  
 آذربایجان را از دو نقطه نظر بوجود ایشان  
 علاقتند است یکی اینکه اهالی ایرانی و  
 هوشیاس و پیشقدم ایرانیه هستند و آقای  
 وزیر جنک قشون دیروز رشید و فدakar ایران را  
 احیا و زنده فرموده و حقیقه ایران را زنده  
 کرده اند و دیگر اینکه بالخصوص آذربایجان  
 را از هر ج و مرج خلاص کرده اشرار را قلع  
 قمع نموده اساس امنیت و اساس را کامل در  
 آن صفحه برقرار کرده بلکه می توانم بحدود  
 محترم آقایان نمایندگان عرض بدارم که  
 نه تنها امنیت را برقرار فرموده بلکه ایالت  
 آذربایجان را که نقطه مهم ایران است و کم  
 کم خریطه ایران خارج میشد ایشان بواسطه  
 رفیق باقی ها و اشرار بر گردانده اند این است که  
 بایک دنیا خوشوقتی و مسرت و امید منتظریم  
 که کافی السابق توجهات مخصوصه خودشان  
 را بآن نقطه مهم بذول فرموده عموم طبقات  
 را بیش از پیش امیدوار فرمایند  
 ( بعضی گفتند صحیح است احسن )  
 رئیس - آقای محمد ولی میرزا  
 ( اجازه )  
 محمدولی میرزا - در چندی قبل ببنده  
 يك تلگرافی از اردبیل و آستارا رسید که  
 حاکی از اخبار خوش بود و موفقیت قشون  
 رشید ما در آن صفهات میسرمانه و نظر بانیکه بنده  
 می خواستم این اخبار خوش را بمرض آقایان  
 برسانم در اینوقت که آقای وزیر جنک هم  
 حضور دارند آن تلگرافات را عرض میکنم  
 آقای سید محمد تقی طباطبائی نماینده  
 محترم قسمتی از عرایض بنده را فرمودند  
 و نظر بانیکه در این قسمت اردبیل و  
 آستارا قشون رشید ما يك موفقیتی خیلی  
 مهمی احراز کرده اند لازم بود مختصراً  
 عرض کنم نجفعلی آلارلو که یکی از اشرار  
 و رؤسای مهم شاهسون بوده است و از بدو  
 مشروطیت تا کنون نعمت آزادی را از  
 اهالی آن حدود سلب کرده بود و همچنین  
 است و اخیراً مرتکب قتل خدمتگزاران  
 سردار ناصر شده بود بوسیله قوای دولتی  
 دستگیر و مجسوس و به تیر بز اعزام شد و تمام  
 اهالی تلگرافات متعدده کتبه بمقامات  
 عالییه مخصوصاً بخود بنده نموده اند این  
 است که بنده هم از طرف آنها تجدید  
 تشکرات خود را از آقای وزیر جنک میکنم  
 رئیس - آقای دانش  
 ( اجازه )  
 آقا میرزا محمدخان دانش -  
 يك قسمت عرایض بنده راجع باقتصادیات  
 مملکت بود که آقای مستشار السلطنه  
 بیان فرمودند و يك قسمت هم راجع سیاست  
 خارجی است که پیش آمده و امیدواریم  
 هر چه زودتر دولت بطور وضوح نظریات  
 شخص حضرت اشرف آقای سردار سیه وزیر  
 جنک در این کابینه که زینت بخش و ثمن القاده  
 هم راجع بایالت خراسان است که مدتی  
 دولت جدید است کاملاً خوش وقت بوده و از

است خراسان بدون والی است و هر چه  
 زودتر باید دولت يك والی کافی برای  
 خراسان انتخاب کنند و بفرستند  
 قسمت دیگر عرض بنده راجع بسه  
 مشکلاتی است که در مایه خراسان  
 پیش آمده و يك عملیاتی از طرف مایه آن  
 جا بظهور من جمله يك عوایدی راجع به  
 انجنمن بلدی مشهد می باشد که نقشه شهری  
 است که مطابق تصویب مجلس شورای  
 ملی دارای انجنمن بلدی است و عایدات  
 مخصوص بلدی را اداره مالیات غیر مستقیم  
 ضبط کرده است و بمصرف بلدی نمیرسانند  
 و حال آنکه اهالی این وجوه را فقط  
 برای اصلاحات بلدی میدهند يك قسمت  
 هم راجع به راه های شوسه خراسان است  
 که يك پولهای بی ترتیبی گرفته میشود  
 بدون اینکه باصلاح راهها برسد و يك شخصی  
 راهم چندی قبل بخراسان فرستاده اند که  
 برخلاف قانون و انتظامات مملکتی اعلان  
 داده است که آقای تدین مفصلاً در پشت  
 تریبون شرح آن را فرمودند  
 همه منتظراند که باین اصلاحات  
 زودتر اقدام فرموده و از طرف هیئت دولت  
 دربر گرام نوشته شود و اینها در نقطه نظر  
 عملی واقع شود  
 رئیس - هیچوقت سابقه نداشته است  
 که در موقع معرفی آقایان وزراء این  
 نوع مذاکرات و تقاضا ها بشود این قبیل  
 مسائل در موقعی ممکن است اظهار شود که  
 پر گرام را میاورند و اگر يك مذاکرات و  
 سؤالاتی باشد ممکن است در آن موقع  
 بشود  
 دانش - چون آقای مستشار السلطنه  
 و سایر آقایان متذکر شدند  
 رئیس - چه فرمودند  
 دانش - عرض کردم تذکر بود و  
 میل داشتم این مشکلاتی که برای اهالی  
 مملکت پیش آمده بهیئت دولت تذکر داده  
 شود  
 رئیس - اینکه آقای مستشار السلطنه  
 اجازه دادم خیال کردم می خواهند تبریک  
 آقا سید محمد تقی و آقای محمد ولی میرزا  
 هم اجازه دادم بعد به جنابعالی حالا اگر  
 مجلس بخواهد بدیکران هم اجازه داده  
 می شود  
 ( جمعی گفتند خیر )  
 رئیس - اگر آقایان مایل بتنفس  
 هستند چند دقیقه تنفس داده شود  
 ( در اینوقت جلسه برای تنفس  
 تعطیل و پس از نیم ساعت  
 مجدداً تشکیل گردید )  
 رئیس - راجع بان مطلبی که بعد  
 از نطق آقای دانش بنده عرض کردم  
 گویا يك سوء تفاهمی جهت ایشان حاصل  
 شده است  
 خیال کرده اند که بنده خواستم بنطق

ایشان اعتراض کرده باشم و حال آنکه  
 غرض بنده این بود که تکلیف کلی معلوم  
 شود چون بعد از ایشان هفت هشت نفر اجازه  
 خواسته بودند خواستم به بینم باید باین  
 آقایان اجازه داد باخبر  
 و اگر برای ایشان شبهه و سوء تفاهمی  
 حاصل شده باشد گمان میکنم آنچه عرض  
 کردم برای رفع آن کافی خواهد بود  
 قانون انتخابات مطرح است مذاکرات  
 راجع بماده چهاردهم است  
 آقای حاج میرزا علی محمد  
 ( اجازه )  
 رئیس - آقای شیخ الرئیس  
 ( اجازه )  
 شیخ رئیس - بنده مخالف هستم  
 و چون خاطر من نیست که قبل از بنده مخالف  
 حرف زده است یا موافق عرض می کنم اگر  
 موقع است مطالب را عرض کنم  
 رئیس - بفرمائید  
 فتح الدوله - اجازه ها محفوظ  
 است  
 رئیس - اجازه های دیشب است  
 شیخ الرئیس - کلیه اشخاصی که  
 طرفدار انتخابات عمومی هستند چه در  
 انتخاب کنند و چه در انتخاب شوند بایستی  
 کاملاً مراعات این نکته را بکنند که تا  
 موقعی که مضرتی برای عمومی بودن آن فرض  
 نکنند دست از انتخاب عمومی نکنند و  
 چون بنده همیشه طرفدار عمومی بودن آن  
 هستم چه در منتخب و چه در منتخب لذا در  
 آنجاهائی هم که فائل بحدودیت شده ام برای  
 این بوده است که مضارش را بیش از منافعش  
 دیدم در قانون انتخابات دوره اول مجلس  
 شورای ملی که در سه ۱۳۳۴ نوشته شد  
 بواسطه بیوثبتی که در بین ملت و دولت  
 بود همچو تصور میکردند که از طرف دولت  
 هیچکس حتی مأمورین جزء هم نباید در  
 مجلس شورای ملی حاضر شوند ولی چون  
 حالا بیوثبت برداشته شده و افکار دولت  
 ناشی از افکار ملت است و دولت از طرف  
 ملت انتخاب می شود این است که دیگر  
 از نظر سیاست نباید داخل شد و فقط بعضی  
 هارا از قبیل مأمورین نظامی و حکام و معاونین  
 آنها چون مأمور اجرای این قوانین هستند  
 نباید آنها را دخالت داد و باید محروم باشند  
 ولی راجع به سایر مأمورین بنده نمی توانم  
 تصور کنم غیر از مأمور مایه سایرین نفوذی  
 داشته باشند و همانطور که شاهزاده اقبال -  
 السلطان گفتند مأمور بست و تلگراف ر  
 مأمور فواید عامه یا اوقاف در يك معنی چه  
 نفوذی ندارند و در هر مجلسی که داوطلبان  
 انتخابات آن صد نفر باشند یا یکصد و یکصد  
 بآنها نخواهد رسید خود ما در این چند دوره  
 دیدیم که هیچکس از رؤساء ادارات انتخاب  
 نشده مگر چند نفری از رؤساء که انتخاب

تدین مخبر کمسیون - متأسفانه آقای  
 آقا سید یعقوب هر ماهه از این لایحه را همان  
 ماده اول تصور میکنند و میروند سر همان  
 بحث در کلمات و همان مذاکراتی که در  
 کلیات فرمودند تکرار میکنند  
 در موقعی که راجع بکلیات این لایحه  
 صحبت میشد مخصوصاً بخاطر دارم که آقای  
 آقا سید یعقوب سؤالی کردند که موجب  
 ایجاد شورای دولتی چه چیز است و چه باعث  
 شده است که شورای دولتی در مملکت  
 تأسیس شود در آنوقت بقبول جواب ایشان  
 داده شده ولی حالاً بطور اجمال عرض می  
 کنم در این وظائفی که برای شورای  
 دولتی نوشته اند اگر قدری دقت بفرمائید  
 تصدیق خواهید کرد که انجام آنها حائز  
 اهمیت زیادی است که همان وظایف موجب  
 تأسیس شورای دولتی در مملکت گردیده  
 اولاً راجع به تمسک جنابعالی باصل ۳۳  
 از قانون اساسی که میگوید قوانین جدیده  
 که محل حاجت باشد در روزارتخانه های مشورا  
 انشاء و تنقیح یافته بتوسط وزراء مشورا یا  
 از طرف صدراعظم بمجلس شورای ملی  
 اظهار خواهد شد عرض میکنم این لایحه  
 هیچ مخالفت با این اصل از قانون اساسی  
 ندارد و تفسیر این اصل هم نیست و اما علت  
 اینک باید يك مؤسسه در خارج باشد و بوزراء  
 كمك بکنند که اسم ان مؤسسه شورای  
 دولتی است و وظایفی هم برای آن معین کرده  
 اند عرض میکنم اولاً تنقیح کلیه لوائج قانونی  
 که از طرف دولت تهیه میشود ( دولت  
 امروزه در اصلاح عرف به هیئت وزراء  
 اطلاق میشود) نظر بانیکه هیئت وزراء  
 باید سیاست داخلی و خارجی مملکت را همیشه  
 در نظر داشته و حفظ نمایند و این مطلب  
 يك کار مهمی است باین جهت به کارهای  
 دیگر نمیرسد یعنی وقت پیدا نمیکند که  
 مدتی هم بنشینند و لوائج قانونی تهیه و تقدیم

مجلس نمایند تصیری هم ندادند لکن برای  
 اینک قدری کادرولتها کمتر شود تأسیس  
 شورای دولتی را لازم دانستیم که قدری  
 بوزراء كك كك کنند و بلاوه هر وزارتخانه  
 هر لایحه قانونی که لازم دارد مطابق صریح  
 اصل سی و سوم در خود آن وزارتخانه انشاء  
 میشود ولی خود وزیر بهتائی لایحه قانونی  
 را انشاء نمی کند بلکه روسای ادارای وزارتخانه  
 خودش را مأمور میکنند که بروید و لوائج  
 قانونی را جمع بفران موضوع تهیه نمایند و  
 خود وزیر هم اگر در این ضمن نظر پائی دارد  
 در آن لایحه میگنجانند و ما خواستیم در  
 آن قانونی که انشاء میشود بیشتر و بهتر در  
 اودقت شود لذا گفتیم بشورای دولتی مراجعه  
 شود يك علت دیگر از برای لزوم تأسیس  
 شورای دولتی هم این است که ما باید سعی  
 کنیم قوانین که وضع میشود معارض و  
 متناقض یکدیگر نباشند مثلا وزارت داخله  
 يك قانونی وضع میکند و يك قانونی هم  
 وزارت معارض تهیه می نماید و ممکن است  
 این دو قانون در موقع اجراء  
 با یکدیگر معارض بشوند آنوقت در کجا  
 باید این اختلاف رفع بشود؟  
 باید بشورای دولتی مراجعه شود که  
 رفع اختلاف و معارضه آنها را بنماید  
 کلیات فرمودند تکرار میکنند  
 در موقعی که راجع بکلیات این لایحه  
 صحبت میشد مخصوصاً بخاطر دارم که آقای  
 آقا سید یعقوب سؤالی کردند که موجب  
 ایجاد شورای دولتی چه چیز است و چه باعث  
 شده است که شورای دولتی در مملکت  
 تأسیس شود در آنوقت بقبول جواب ایشان  
 داده شده ولی حالاً بطور اجمال عرض می  
 کنم در این وظائفی که برای شورای  
 دولتی نوشته اند اگر قدری دقت بفرمائید  
 تصدیق خواهید کرد که انجام آنها حائز  
 اهمیت زیادی است که همان وظایف موجب  
 تأسیس شورای دولتی در مملکت گردیده  
 اولاً راجع به تمسک جنابعالی باصل ۳۳  
 از قانون اساسی که میگوید قوانین جدیده  
 که محل حاجت باشد در روزارتخانه های مشورا  
 انشاء و تنقیح یافته بتوسط وزراء مشورا یا  
 از طرف صدراعظم بمجلس شورای ملی  
 اظهار خواهد شد عرض میکنم این لایحه  
 هیچ مخالفت با این اصل از قانون اساسی  
 ندارد و تفسیر این اصل هم نیست و اما علت  
 اینک باید يك مؤسسه در خارج باشد و بوزراء  
 كمك بکنند که اسم ان مؤسسه شورای  
 دولتی است و وظایفی هم برای آن معین کرده  
 اند عرض میکنم اولاً تنقیح کلیه لوائج قانونی  
 که از طرف دولت تهیه میشود ( دولت  
 امروزه در اصلاح عرف به هیئت وزراء  
 اطلاق میشود) نظر بانیکه هیئت وزراء  
 باید سیاست داخلی و خارجی مملکت را همیشه  
 در نظر داشته و حفظ نمایند و این مطلب  
 يك کار مهمی است باین جهت به کارهای  
 دیگر نمیرسد یعنی وقت پیدا نمیکند که  
 مدتی هم بنشینند و لوائج قانونی تهیه و تقدیم

مجلس نمایند تصیری هم ندادند لکن برای  
 اینک قدری کادرولتها کمتر شود تأسیس  
 شورای دولتی را لازم دانستیم که قدری  
 بوزراء كك كك کنند و بلاوه هر وزارتخانه  
 هر لایحه قانونی که لازم دارد مطابق صریح  
 اصل سی و سوم در خود آن وزارتخانه انشاء  
 میشود ولی خود وزیر بهتائی لایحه قانونی  
 را انشاء نمی کند بلکه روسای ادارای وزارتخانه  
 خودش را مأمور میکنند که بروید و لوائج  
 قانونی را جمع بفران موضوع تهیه نمایند و  
 خود وزیر هم اگر در این ضمن نظر پائی دارد  
 در آن لایحه میگنجانند و ما خواستیم در  
 آن قانونی که انشاء میشود بیشتر و بهتر در  
 اودقت شود لذا گفتیم بشورای دولتی مراجعه  
 شود يك علت دیگر از برای لزوم تأسیس  
 شورای دولتی هم این است که ما باید سعی  
 کنیم قوانین که وضع میشود معارض و  
 متناقض یکدیگر نباشند مثلا وزارت داخله  
 يك قانونی وضع میکند و يك قانونی هم  
 وزارت معارض تهیه می نماید و ممکن است  
 این دو قانون در موقع اجراء  
 با یکدیگر معارض بشوند آنوقت در کجا  
 باید این اختلاف رفع بشود؟  
 باید بشورای دولتی مراجعه شود که  
 رفع اختلاف و معارضه آنها را بنماید  
 کلیات فرمودند تکرار میکنند  
 در موقعی که راجع بکلیات این لایحه  
 صحبت میشد مخصوصاً بخاطر دارم که آقای  
 آقا سید یعقوب سؤالی کردند که موجب  
 ایجاد شورای دولتی چه چیز است و چه باعث  
 شده است که شورای دولتی در مملکت  
 تأسیس شود در آنوقت بقبول جواب ایشان  
 داده شده ولی حالاً بطور اجمال عرض می  
 کنم در این وظائفی که برای شورای  
 دولتی نوشته اند اگر قدری دقت بفرمائید  
 تصدیق خواهید کرد که انجام آنها حائز  
 اهمیت زیادی است که همان وظایف موجب  
 تأسیس شورای دولتی در مملکت گردیده  
 اولاً راجع به تمسک جنابعالی باصل ۳۳  
 از قانون اساسی که میگوید قوانین جدیده  
 که محل حاجت باشد در روزارتخانه های مشورا  
 انشاء و تنقیح یافته بتوسط وزراء مشورا یا  
 از طرف صدراعظم بمجلس شورای ملی  
 اظهار خواهد شد عرض میکنم این لایحه  
 هیچ مخالفت با این اصل از قانون اساسی  
 ندارد و تفسیر این اصل هم نیست و اما علت  
 اینک باید يك مؤسسه در خارج باشد و بوزراء  
 كمك بکنند که اسم ان مؤسسه شورای  
 دولتی است و وظایفی هم برای آن معین کرده  
 اند عرض میکنم اولاً تنقیح کلیه لوائج قانونی  
 که از طرف دولت تهیه میشود ( دولت  
 امروزه در اصلاح عرف به هیئت وزراء  
 اطلاق میشود) نظر بانیکه هیئت وزراء  
 باید سیاست داخلی و خارجی مملکت را همیشه  
 در نظر داشته و حفظ نمایند و این مطلب  
 يك کار مهمی است باین جهت به کارهای  
 دیگر نمیرسد یعنی وقت پیدا نمیکند که  
 مدتی هم بنشینند و لوائج قانونی تهیه و تقدیم

توجه وائی فرموده اند دیر زمانی است که  
 اقتصاد این مملکت دچار يك بحران و فشار فوق  
 العاده شده و موازنه صادرات و واردات  
 این مملکت بکلی از دست رفته است  
 از آتی رأی افتتاح مجلس چهارم تمام دستجات  
 سیاسی نیز این مسئله مهیه را جزو مرام عملی  
 خود و خدمتائی که در نظر داشتند در دوره  
 چهارم بمملکت بنماید قرارداد دادند تذکر  
 های مکرره نیز از طرف اتحادیه پایتخت و  
 سایر هیئت های تجاری ایالات و ولایات شده  
 است و در کمسیون مربوطه باین امر که  
 کمسیون فواید عامه باشد جلسات عدیده  
 تشکیل و این مسئله را در نظر گرفته بدولت  
 های وقت شدت ضرورت اصلاح این امر و  
 رحل و تصفیه این مسئله مهیه را خاطر نشان  
 کرده اند و بطور جدی تقاضا نموده و خواستار  
 شدند که يك زمینه عملی بطور پیشنهاد به  
 مجلس تقدیم کنند تا مجلس بتواند او را  
 بوقوع عمل گذارد و بمقصود برسد این نظریه  
 و این مقصود مهم حیات بخش مطالعات مقدماتی  
 خودش را در حکومت های سابقه بانجام رسانید  
 و نزدیک بود در ضمن مطالعات مجلس و در  
 نتیجه تا کیدات رئیس محترم آن که حقیقتاً  
 در این نوع مسائل مساعی جمیله بذول  
 میدارند این مسئله را بموقع عمل بیاورند  
 و بجایه بطور خلاصه در این اولین جلسه که  
 کابینه جدید در مجلس حضور بهم رسانیدند  
 نظر بانیکه گمان میکنم تمام آقایان نمایندگان  
 یعنی جامعه مجلس باین نظریه هم عقیده  
 باشند با آقای رئیس الوزراء و آقایان وزراء  
 کنونی تذکر میدهم که این نظریه را سر لوجه  
 مراسم عملی خود قرارداد ( نه تنها اتحادیه  
 تجار و هیئت محترم مجلس شورای ملی )  
 بلکه جامعه ایران را مرسوم عملیات حیات  
 بخش خود نموده و این مسئله را مقدم بر سایر  
 مسائلی که البته در مرام خودشان منظور  
 خواهند داشت مقدم بدارند و البته آقایان  
 محترم باین نظریه که منافع آن بطور عموم  
 خواهد نمود ملت ایران خواهد شد موافقت  
 خواهند نمود  
 رئیس الوزراء در هفته آتی که بر گرام  
 دولت تقدیم مجلس می شود ملاحظه خواهید  
 فرمود که این فقره کاملاً و با نهایت جدیت  
 محل توجه دولت است ولی اینرا هم خاطر  
 نشان میکنم که یک قسمت از عملی شدن آن  
 منوط بمساعدت آقایان است البته در پروگرام  
 ملاحظه خواهید فرمود که این مطلب یکی  
 از مسائلی است که دولت در درجه اول آنرا  
 منظور داشته است

توجه وائی فرموده اند دیر زمانی است که  
 اقتصاد این مملکت دچار يك بحران و فشار فوق  
 العاده شده و موازنه صادرات و واردات  
 این مملکت بکلی از دست رفته است  
 از آتی رأی افتتاح مجلس چهارم تمام دستجات  
 سیاسی نیز این مسئله مهیه را جزو مرام عملی  
 خود و خدمتائی که در نظر داشتند در دوره  
 چهارم بمملکت بنماید قرارداد دادند تذکر  
 های مکرره نیز از طرف اتحادیه پایتخت و  
 سایر هیئت های تجاری ایالات و ولایات شده  
 است و در کمسیون مربوطه باین امر که  
 کمسیون فواید عامه باشد جلسات عدیده  
 تشکیل و این مسئله را در نظر گرفته بدولت  
 های وقت شدت ضرورت اصلاح این امر و  
 رحل و تصفیه این مسئله مهیه را خاطر نشان  
 کرده اند و بطور جدی تقاضا نموده و خواستار  
 شدند که يك زمینه عملی بطور پیشنهاد به  
 مجلس تقدیم کنند تا مجلس بتواند او را  
 بوقوع عمل گذارد و بمقصود برسد این نظریه  
 و این مقصود مهم حیات بخش مطالعات مقدماتی  
 خودش را در حکومت های سابقه بانجام رسانید  
 و نزدیک بود در ضمن مطالعات مجلس و در  
 نتیجه تا کیدات رئیس محترم آن که حقیقتاً  
 در این نوع مسائل مساعی جمیله بذول  
 میدارند این مسئله را بموقع عمل بیاورند  
 و بجایه بطور خلاصه در این اولین جلسه که  
 کابینه جدید در مجلس حضور بهم رسانیدند  
 نظر بانیکه گمان میکنم تمام آقایان نمایندگان  
 یعنی جامعه مجلس باین نظریه هم عقیده  
 باشند با آقای رئیس الوزراء و آقایان وزراء  
 کنونی تذکر میدهم که این نظریه را سر لوجه  
 مراسم عملی خود قرارداد ( نه تنها اتحادیه  
 تجار و هیئت محترم مجلس شورای ملی )  
 بلکه جامعه ایران را مرسوم عملیات حیات  
 بخش خود نموده و این مسئله را مقدم بر سایر  
 مسائلی که البته در مرام خودشان منظور  
 خواهند داشت مقدم بدارند و البته آقایان  
 محترم باین نظریه که منافع آن بطور عموم  
 خواهد نمود ملت ایران خواهد شد موافقت  
 خواهند نمود  
 رئیس الوزراء در هفته آتی که بر گرام  
 دولت تقدیم مجلس می شود ملاحظه خواهید  
 فرمود که این فقره کاملاً و با نهایت جدیت  
 محل توجه دولت است ولی اینرا هم خاطر  
 نشان میکنم که یک قسمت از عملی شدن آن  
 منوط بمساعدت آقایان است البته در پروگرام  
 ملاحظه خواهید فرمود که این مطلب یکی  
 از مسائلی است که دولت در درجه اول آنرا  
 منظور داشته است

طرف عموم اهالی آذربایجان تبریکات صمیمانه  
 خود را بایشان تقدیم نموده و متشکرم زیرا  
 آذربایجان را از دو نقطه نظر بوجود ایشان  
 علاقتند است یکی اینکه اهالی ایرانی و  
 هوشیاس و پیشقدم ایرانیه هستند و آقای  
 وزیر جنک قشون دیروز رشید و فدakar ایران را  
 احیا و زنده فرموده و حقیقه ایران را زنده  
 کرده اند و دیگر اینکه بالخصوص آذربایجان  
 را از هر ج و مرج خلاص کرده اشرار را قلع  
 قمع نموده اساس امنیت و اساس را کامل در  
 آن صفحه برقرار کرده بلکه می توانم بحدود  
 محترم آقایان نمایندگان عرض بدارم که  
 نه تنها امنیت را برقرار فرموده بلکه ایالت  
 آذربایجان را که نقطه مهم ایران است و کم  
 کم خریطه ایران خارج میشد ایشان بواسطه  
 رفیق باقی ها و اشرار بر گردانده اند این است که  
 بایک دنیا خوشوقتی و مسرت و امید منتظریم  
 که کافی السابق توجهات مخصوصه خودشان  
 را بآن نقطه مهم بذول فرموده عموم طبقات  
 را بیش از پیش امیدوار فرمایند  
 ( بعضی گفتند صحیح است احسن )  
 رئیس - آقای محمد ولی میرزا  
 ( اجازه )  
 محمدولی میرزا - در چندی قبل ببنده  
 يك تلگرافی از اردبیل و آستارا رسید که  
 حاکی از اخبار خوش بود و موفقیت قشون  
 رشید ما در آن صفهات میسرمانه و نظر بانیکه بنده  
 می خواستم این اخبار خوش را بمرض آقایان  
 برسانم در اینوقت که آقای وزیر جنک هم  
 حضور دارند آن تلگرافات را عرض میکنم  
 آقای سید محمد تقی طباطبائی نماینده  
 محترم قسمتی از عرایض بنده را فرمودند  
 و نظر بانیکه در این قسمت اردبیل و  
 آستارا قشون رشید ما يك موفقیتی خیلی  
 مهمی احراز کرده اند لازم بود مختصراً  
 عرض کنم نجفعلی آلارلو که یکی از اشرار  
 و رؤسای مهم شاهسون بوده است و از بدو  
 مشروطیت تا کنون نعمت آزادی را از  
 اهالی آن حدود سلب کرده بود و همچنین  
 است و اخیراً مرتکب قتل خدمتگزاران  
 سردار ناصر شده بود بوسیله قوای دولتی  
 دستگیر و مجسوس و به تیر بز اعزام شد و تمام  
 اهالی تلگرافات متعدده کتبه بمقامات  
 عالییه مخصوصاً بخود بنده نموده اند این  
 است که بنده هم از طرف آنها تجدید  
 تشکرات خود را از آقای وزیر جنک میکنم  
 رئیس - آقای دانش  
 ( اجازه )  
 آقا میرزا محمدخان دانش -  
 يك قسمت عرایض بنده راجع باقتصادیات  
 مملکت بود که آقای مستشار السلطنه  
 بیان فرمودند و يك قسمت هم راجع سیاست  
 خارجی است که پیش آمده و امیدواریم  
 هر چه زودتر دولت بطور وضوح نظریات  
 شخص حضرت اشرف آقای سردار سیه وزیر  
 جنک در این کابینه که زینت بخش و ثمن القاده  
 هم راجع بایالت خراسان است که مدتی  
 دولت جدید است کاملاً خوش وقت بوده و از

است خراسان بدون والی است و هر چه  
 زودتر باید دولت يك والی کافی برای  
 خراسان انتخاب کنند و بفرستند  
 قسمت دیگر عرض بنده راجع بسه  
 مشکلاتی است که در مایه خراسان  
 پیش آمده و يك عملیاتی از طرف مایه آن  
 جا بظهور من جمله يك عوایدی راجع به  
 انجنمن بلدی مشهد می باشد که نقشه شهری  
 است که مطابق تصویب مجلس شورای  
 ملی دارای انجنمن بلدی است و عایدات  
 مخصوص بلدی را اداره مالیات غیر مستقیم  
 ضبط کرده است و بمصرف بلدی نمیرسانند  
 و حال آنکه اهالی این وجوه را فقط  
 برای اصلاحات بلدی میدهند يك قسمت  
 هم راجع به راه های شوسه خراسان است  
 که يك پولهای بی ترتیبی گرفته میشود  
 بدون اینکه باصلاح راهها برسد و يك شخصی  
 راهم چندی قبل بخراسان فرستاده اند که  
 برخلاف قانون و انتظامات مملکتی اعلان  
 داده است که آقای تدین مفصلاً در پشت  
 تریبون شرح آن را فرمودند  
 همه منتظراند که باین اصلاحات  
 زودتر اقدام فرموده و از طرف هیئت دولت  
 دربر گرام نوشته شود و اینها در نقطه نظر  
 عملی واقع شود  
 رئیس - هیچوقت سابقه نداشته است  
 که در موقع معرفی آقایان وزراء این  
 نوع مذاکرات و تقاضا ها بشود این قبیل  
 مسائل در موقعی ممکن است اظهار شود که  
 پر گرام را میاورند و اگر يك مذاکرات و  
 سؤالاتی باشد ممکن است در آن موقع  
 بشود  
 دانش - چون آقای مستشار السلطنه  
 و سایر آقایان متذکر شدند  
 رئیس - چه فرمودند  
 دانش - عرض کردم تذکر بود و  
 میل داشتم این مشکلاتی که برای اهالی  
 مملکت پیش آمده بهیئت دولت تذکر داده  
 شود  
 رئیس - اینکه آقای مستشار السلطنه  
 اجازه دادم خیال کردم می خواهند تبریک  
 آقا سید محمد تقی و آقای محمد ولی میرزا  
 هم اجازه دادم بعد به جنابعالی حالا اگر  
 مجلس بخواهد بدیکران هم اجازه داده  
 می شود  
 ( جمعی گفتند خیر )  
 رئیس - اگر آقایان مایل بتنفس  
 هستند چند دقیقه تنفس داده شود  
 ( در اینوقت جلسه برای تنفس  
 تعطیل و پس از نیم ساعت  
 مجدداً تشکیل گردید )  
 رئیس - راجع بان مطلبی که بعد  
 از نطق آقای دانش بنده عرض کردم  
 گویا يك سوء تفاهمی جهت ایشان حاصل  
 شده است  
 خیال کرده اند که بنده خواستم بنطق

ایشان اعتراض کرده باشم و حال آنکه  
 غرض بنده این بود که تکلیف کلی معلوم  
 شود چون بعد از ایشان هفت هشت نفر اجازه  
 خواسته بودند خواستم به بینم باید باین  
 آقایان اجازه داد باخبر  
 و اگر برای ایشان شبهه و سوء تفاهمی  
 حاصل شده باشد گمان میکنم آنچه عرض  
 کردم برای رفع آن کافی خواهد بود  
 قانون انتخابات مطرح است مذاکرات  
 راجع بماده چهاردهم است  
 آقای حاج میرزا علی محمد  
 ( اجازه )  
 رئیس - آقای شیخ الرئیس  
 ( اجازه )  
 شیخ رئیس - بنده مخالف هستم  
 و چون خاطر من نیست که قبل از بنده مخالف  
 حرف زده است یا موافق عرض می کنم اگر  
 موقع است مطالب را عرض کنم  
 رئیس - بفرمائید  
 فتح الدوله - اجازه ها محفوظ  
 است  
 رئیس - اجازه های دیشب است  
 شیخ الرئیس - کلیه اشخاصی که  
 طرفدار انتخابات عمومی هستند چه در  
 انتخاب کنند و چه در انتخاب شوند بایستی  
 کاملاً مراعات این نکته را بکنند که تا  
 موقعی که مضرتی برای عمومی بودن آن فرض  
 نکنند دست از انتخاب عمومی نکنند و  
 چون بنده همیشه طرفدار عمومی بودن آن  
 هستم چه در منتخب و چه در منتخب لذا در  
 آنجاهائی هم که فائل بحدودیت شده ام برای  
 این بوده است که مضارش را بیش از منافعش  
 دیدم در قانون انتخابات دوره اول مجلس  
 شورای ملی که در سه ۱

شده اند و آنچه بواسطه يك چیزهای دیگر بوده . باحسن ظن ملت را بخود جلب کرده اند و جلب اعتماد ملت را نودانند و شکایاتی هم از آنها نرسیده است . بنده این را در کمیسیون هم عرض کردم ولی در اقلیت ماندم بنده فقط با استثناء مأمورین مالبه موافق هستم و هیچین با استثناء حاکم و معاون اووالا برای سایر مأمورین بنده دلیلی نمی بینم که از حق انتخاب محروم باشند و علت اینکه پیشنهاد نکردم این بود که خودم عضو کمیسیون هستم ولی عقیده ام را اظهار کردم و مقصودم فقط بیان ادله خودم بود در این ماده .

رئیس - آقای ملک الشعرا (اجازه)

ملک الشعرا - در اطراف این ماده مذاکرات زیاد شد و می توان گفت یکی از مواد اساسی که در کمیسیون در نظر گرفته شد این ماده است .

حضرت والا شاهزاده اقبال السلطان السلطان در جلسه گذشته در ضمن مخالفتشان با عبارت فرمودند که مفادش این بود که این ماده جلوی آزادی را خواهد گرفت مخصوصاً به بنده اعتراض فرمودند که فلانکس در نطق خودش راجع به آزادی عقیده بسط کلام می دهد آنوقت يك چنین ماده در قانون می نویسد که بکلی سب آزادی میکند .

باید ایشان و سایر آقایانی که تکیه کلامشان را عنوان آزادی قرار می دهند ملتفت باشند که ما آزادی را در حدود قانون باید مراعات کنیم .

اظهارات سابق بنده راجع با احترام آزادی عقیده بود البته در آزادی عقیده بنده فوق العاده غلو میکنم و میتوانم خودم را مغرور بدانم برای اینکه اگر عقاید آزاد نباشد و کسی نتواند از ترس اینکه مبدا عقیده او را تهدید کند عقیده خود را با آزادی بگوید در يك چنین محیطی ممکن است خیلی از افکار روشن و مشعش در سایه این وحشت از بین برود این موضوع جدا گانه است ولی در سایر قسمت ها از قبیل آزادی در انتخاب شدن و انتخاب کردن و آزادی هایی که بالاخره مربوط بحقوق عمومی و مسائل اجتماعی و سیاسی میشود اینها همیشه باید در تحت يك قوانین و انتظامات و حدودی قرار گیرد برای اینکه آزادی يك نفر مانع معفوظ بماند . يك اشخاص ناصالحی بعنوان این آزادی نتوانند خودشان را در عدادی يك اشخاص صالحی قلمداد کنند همین دلیل آمده اند در ممالک ملی که عامه ملت حکومت میکنند يك قوانینی وضع میکنند و کلیه قوانین و نظامات آنها برای محدود کردن آزادی وضع میشود .

يك اعتراض دیگری هم در ضمن نطق خودشان فرمودند که چرا وزراء و حکام

و معاونین و کلیه روسای دوائر دولتی را بنام اینکه متنفذ هستند از حق انتخاب محروم میکنیم ولی متنفذین محلی (که اسم هم بردند از قبیل قوام الملك) از حق انتخاب بایستی محروم بشوند و در صورتیکه نفوذ این قبیل اشخاص از يك امین مالبه یا حاکم زیادتر است اینها چرا نباید محروم بشوند . این فرمایش حضرت والا ظاهر آنکه منطبقه خوبی است اگر چه بعقیده خودشان البته منطبقه نیست ولی وقتی بخواهیم نفوذ را محدود کنیم اولاً باید بین اقسام نفوذها فرق بگذاریم بعضی از نفوذها را محدود کنیم و بعضی از آن اقسام را بحکم همان آزادی که شما معتقد هستید و مام منکر نیستیم نمیتوانیم برایش حد قرار دهیم . چهار يك محظورات و اشکالاتی خواهیم شد آن نفوذهایی که بایستی از آنها در انتخابات مانع بعمل آورد نفوذهای عرضی است زیرا دو قسم نفوذ در مملکت مشروطه وجود دارد و بعضی نفوذهای شخصی و طبیعی است و بعضی نفوذهای عرضی و مع الواسطه مثل ممکن است است یا بالاخره نطق های خوبی کرده و فکرهای خوبی که بجامه داده یا چیزهای خوب برای جامعه نوشته و اعانه های زیادی برای مصارف خیریه داده است این شخص دارای نفوذ میشود مردم با این آدم با حقیقتاً از روی حق یا خیر به منطبقه و اشتباه معتقد میشوند و این آدم يك وجود صاحب نفوذی میشود که بواسطه نفوذ خودش امتیازی را در جامعه احراز میکند و بالاخره هر وقت بخواهند برای انتخابات رأی بدهند (چنانچه دیده ایم) اکثریت متوجه این شخص میشود حالا این شخص یا حقیقتاً از روی حسن عقیده و وجدان و یا کی فطرت و عدم آرایش این نفوذ را کسب کرده و افکار جامعه را به خودش متوجه کرده است یا خیر از راه شیبو مکیدت و یا از نقطه نظر محافظه کاری و امنالها توانسته است عقیده مردم را بخود متوجه کرده و از استفاده و ذبح شدن عدم جلوگیری کند . هر چه هست به حق یا ناحق این شخص متنفذ میشود و البته از آن کسی که نتوانسته است این رل را بازی کند و افکار عمومی را بخود جلب نماید و فقط يك عقیده صاف و روشنی را اتخاذ کرده است اقوی خواهد بود و بالاخره همان آزادی مقدس بما اجازه نمیدهد در مقابل این شخص متنفذ يك سد و عایقی قرار بدهیم و در عین حال این شخص در خراسان یا در جای دیگر زمینه انتخابات را برای خود حاضر کرده و یا کسی مثلا املاك و رعایا دارد و دارای نفوذ شده است .

ما همانطور که حق نداریم مطابق رژیم مملکتی و قانون مذهبی خودمان املاك این شخص را از او بگیریم و این حق را نه شرع نه عرف بما میدهد بهمیز دلیل نمی توانیم يك قانونی وضع کنیم که این شخص از نفوذ خودش نتواند استفاده کند . ما باید این آدم و امثال این اشخاص را در مملکت آزاد بگذاریم همانطور که نفوذ سیاسی و ادبی و فکری باید در مملکت و بطور آزادی برود و همانطور که ما نمی توانیم از نفوذ اخلاقی و ادبی و اجتماعی جلوگیری کنیم بهمان دلیل حق نداریم از نفوذهای فامیلی و شخصی جلوگیری نمائیم و مذهب و عادات ملیه بما اجازه نمی دهد در حال کثرت ملل متفدنه دنیا نیز با ما شریکند و نتوانسته اند از این نفوذ ها جلوگیری کنند . حالا بیائیم سر نفوذ های عرضی و مع الواسطه که عبارت از نفوذ های اشخاصی است که وقتی کارشان را از آنها گرفتند سایر اشخاص مساوی هستند مثلا امین یا پیشکار مالبه یا حاکم محل وقتی حکومت یا دیانت ندارد شخصی است با سایر اشخاص مساوی و در حدود نفوذهای طبیعی و دارای مختصر نفوذی است ولی وقتی با این شخص حکومت بدهند يك نفوذ بالعرض احراز میکنند .

چنانچه خود بنده با این قضیه مبتلا بودم خیلی اقدامات کردم بلکه دولت این امین مالبه را تغییر بدهد و يك آدم بی فرض بجای او بگذارد لکن چون دولت بجزیران آن انتخاب علاقه مند بود اقدامی نکرد و بالاخره يك نفر امین مالبه توانست ه تقرراً تهدید کند این مده آراه حقیقی را بر باد بدهد (ما هم از این نقطه نظر و به همین فلسفه که دیدیم يك عده از انتخابات گذشته در تحت فشار خودمان حق دادیم و با کمال رشادت آفتیم که وزراء و معاونین آنها فقط در قلمرو مأموریت شان از حق انتخاب محرومند .

این آدم به وسیله قواء دولت و اجزاء و من تبهی که دور او هستند متنفذ می شود .

لیکن چون نفوذ این آدم طبیعی نیست می توانیم نفوذ او را در هر دقیقه سلب کنیم مثلا وقتی که شکایت از يك حاکم می شد می توانیم او را محروم کنیم زیرا قوه او عرض و قابل انفصال است .

بهمین دلیل در موقع نوشتن قانون و همچنین قانون انتخابات حق داریم از این نفوذ غیر طبیعی جلوگیری کنیم و حق داریم بگوئیم این اشخاص نباید بواسطه قوه دولت در انتخابات ملت اعمال نفوذ بکنند .

بایستی این قوه را برای کار مخصوصی که دولت و ملت به آن داده است و صرف بکنند نه برای کار دیگری که مربوط بشغل آنها نیست و در عمل هم دیده اند بالاخره در موقع دوسه های انتخابات تمام این قضایا از جلو چشم ما گذشته دیده ایم خیلی اشخاص بواسطه نفوذ حکومتی یا اداری که داشته اند سوء استفاده کرده اند و آنقوه را که دولت و ملت برای اداره کردن و انتظامات مملکت به آنها سپرده بوده برخلاف قانون و خلاف حق اعمال نموده و خود را وکیل کرده اند .

ما دیدیم اشخاصی در بعضی نقاط حاکم شدند و زمینه انتخابات را برای خودشان حاضر کردند و يك ماه قبل از شروع انتخابات استعفا دادند و توبانی کردند و بالاخره وکیل شدند و آمدند در این مجلس نشستند و از روزیکه در این مجلس وارد شدند تحریکات کردند و وسائل بکار بردند و آنتریکات اقدامات کردند و عمر و وزید را دیدند تا بلا فاصله حاکم يك نقطه بالا تری شدند و رفتند .

پس بنابر این در موقع انتخابات باید

آزادی حقیقی را مراعات کرد و از تمام نفوذ های غیر مشروع جلوگیری نمود اگر بیستم يك عده اشخاصی دارای نفوذ های عرضی هستند و در موقع انتخابات این نفوذ ها را که برای کارهای دولتی و اداری است صرف انتخابات بشود و از نفوذهای ملی و حقیقی اشخاص جلوگیری کند و به همین دلیل که در قانون انتخابات گذشته مأمورین نظام بری و بحری را از انتخاب شدن و انتخاب کردن محروم کرده اند در صورتیکه مأمورین قشونی از هر نقطه نظر که نگاه کنیم از حيث نفوذ هیچ تفرقی با سایر مأمورین دولتی ندارند بلکه بنده می توانم بگویم نفوذ يك نفر امین مالبه محل از نفوذ يك رئیس قشون و يك رئیس ژاندارم سابق زیاد تراست و همچنین انتخابات اطراف طهران برای ما ثابت کرد که يك امین مالبه بی قوه و بیکرئیس ارزاق یا معاون ارزاق موفق می شوند که از آراء حقیقی اشخاص محلی جلوگیری کنند .

استکه بالاخره از طرف احزاب و جماعت کاندیدای وزارت بشوند و در اینصورت که مقصود از کاتال بعضی اشخاص وزارت است هیچ فلسفه اجازه نمی دهد اشخاصی که وزیر هستند و حکومت در دست آن ها هست بیابند از شغل خودشان استعفا بدهند و وکیل بشوند و بعد مجدداً بوزارت یا مقام دیگری برسند .

ولی بالاخره نمی شود گفت که وزراء و سایر مأمورین دولت تماماً از نقطه نظر نفوذ عرضی وکیل میشوند برای اینکه ممکن است اشخاصی حاکم یا وزیر باشند که مردم هم با آنها يك عقیده و اعتماد طبیعی و حقیقی داشته باشند .

ولی در اینصورت چه از این نقطه نظر و چه از نقطه نظر سابق و قتیکه يك عده از وزراء و معاونین آنها و حکام ایالت اداره کردن مملکت را داشته باشند علت ندارد ما با آنها وسیله به همیم که بیابند وکیل بشوند تا اینکه دوقده مقام وزارت یا مقام دیگری برسد و نیز اگر صالح و لایق باشند باید در آن مدتی که مصدر کار هستند و حکومت دارند در آن مدت از مقام وزارت خودشان استعفا نموده و در خدمتگذاری عموم و حسن جریان انتخابات مراقبت نمایند تا اینکه اشخاص که حقیقتاً دارای لیاقت و معلومات هستند بیابند و صندلی و کاتال را اشغال نمایند و از این نقطه نظر هم باید این قضیه را ملاحظه کرد که دوام کابینه ها بیشتر برای مملکت مفید است تا بجزیره های پی در پی یا تغییر جا و مکان دادن یعنی وزیر وکیل شدن و وکیل وزیر شدن و این لباس را عوض کردن .

و اگر بالفرض يك عده از وزراء نالایق هستند وکیل هم نباید باشند برای اینکه يك عده اشخاص نالایق را نباید گذارد از نفوذ غیر طبیعی که وضعیت مملکت برایشان تهیه کرده و ملت با آنها داده است استفاده کنند و البته باید در هر قانونی وسائلی فراهم کرد که نتوانند بدون لیاقت مقامی را اشغال کنند .

می تواند از کرمانشاه وکیل بشود و برای اینکه بالاخره بعد با آنها اعتراض نشود و گفته نشود که شما چون حاکم فلان محل یا رئیس گمرک فلان نقطه بودهاید با اعمال نفوذ و غرض خودتان را بر ملت تحمیل کرده اید ما بخود آنها میگوئیم شما اگر حقیقتاً نفوذ طبیعی دارید از نقطه دیگری وکیل بشوید پس بالاخره این ماده اولاً مستخدمین امنیه و نظمی و اهل نظام بری و بحری را که مطابق فلسفه و دلایلی که در تمام نقاط دنیا مراعات شده و در قانون انتخابات سابق هم مراعات شده بود محروم کرده برای اینکه اشخاص نظامی در خدمت خودشان بمانند منافعشان بیشتر است از اینکه وکیل بشوند و اما وزراء و معاونین آنها اگر صالح و لایق هستند بایستی در مقام وزارت و حکومت خودشان باقی بمانند و اگر لایق نیستند بایستی بوزارت هم برسند و برای این چهارده نفر هم نباید آن قدر دعوا کرد و این ماده تقویت میکند را و بر طرف میکند يك قسمت بزرگ از نفوذ ها و مداخلات و مفساد نامشروع ادوار گذشته را و عقیده بنده این ماده مادامه که مواد این قانون است و برای آزادی انتخابات هم بهترین مواد است .

(جمعی گفتند مذاکرات کافی است)

رئیس - برای میگیریم بکافی بودن مذاکرات .

آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند .

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - معلوم می شود کسانی است . . .

(دو فقره پیشنهاد آقایان حاج سید المحققین و فتح الدوله بضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد می نمایم ماده چهاردهم به ترتیب ذیل ترشده شود کسانی که مطلقاً از انتخاب شدن محروم اند .

(۱) مستخدمین امنیه و نظمی و اهل نظام بری و بحری

(۲) حکام کل و جزه در قلمرو مأموریت خود .

(۳) شاهزادگان بلا فصل بانواع اوخوان و اعیان بادشاه

حاج سید المحققین بنده پیشنهاد میکنم که در ماده چهاردهم که محرومین انتخابات شدن را ذکر کرده را از انتخابات شدن محروم میکند . این ماده چهاردهم نفردا در يك انتخابات مخصوص و در يك مدت مینی از وکیل شدن محروم میکند و بکافی اشخاص را که در اینجا اسم برده است از قبیل حکام و معاونین آنها و رؤسای دوائر دولتی و محرومیت آنها در آن ایالتی است که خودشان در آنجا هستند و الاوالی کرمان می تواند از آذربایجان یا خراسان وکیل شود یا رئیس گمرک کردستان

رئیس - يك نفر از آقایان دیشب پیشنهاد کرده بودند راجع باینکه راجع رئیس الوزراء هم از انتخاب شدن محروم

باشد مفقود شده است نمی دانم پیشنهاد کی بوده است ؟

رئیس - پیشنهاد می نمایم ماده ۱۰ شرح ذیل قرائت شد)

در مراکز حوزه های انتخابیه مطابق جدولی که منضم باین قانون است حکومت برای تعیین انجمن نظارت بمناسبت استعدادهای محل از سوی صد نفر از مروفین و متمدین طبقات مختلفه را که دارای شرایط انتخاب شدن باشند دعوت می نماید .

مدعوین در همان مجلس بدو مقابل عده که برای انجمن نظارت لازم است از بین خود یا نماینده او برای مخفی انتخاب می نمایند سپس منتخبین عده لازم را از بین خود بحکم قرعه معین و برای عضویت انجمن نظارت معین می نمایند در انتخاب مزبور حضور دولت از مدعوین کافی خواهد بود .

رئیس - آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان - بنده اجازه نخواسته بودم .

(يك نفر از نمایندگان - تبصره - در محل هائیکه انجمن ولایتی قانوناً برقرار است انجمن نظارت مرکب خواهد بود از دو نفر از اعضاء انجمن به انتخاب خود انجمن و ه نفر دیگر بابت سایر مردم معین که در فوق مذکور است و در جاهائیکه انجمن ولایتی نباشد ۷ نفر بشرح فوق انتخاب و معین میشوند .

رئیس - آقای شیخ الرئیس (اجازه)

شیخ الرئیس - بنده موافق هستم ولی گویا لفظ ایالتی در طبع فراموش شده است .

مخبر - در قانون جدیدی که الان در کمیسیون داخله است کمیسیون معتقد بانجمن ایالتی نیست یعنی حوزه ایالت در همان . . . . .

(جمعی گفتند - مخالف قانون اساسی است )

سلیمان میرزا - مخالف اصل ۹۱ قانون اساسی است .

مخبر - یعنی حوزه ایالت را در همان محوطه خودش انجمن ولایتی میگویند و کمیسیون مخالف با قانون اساسی ندانست حالا اگر آقایان مخالف با قانون اساسی می دانند پیشنهاد کنند که کلمه ایالتی را هم اضافه نمایند .

رئیس - آقای سید الملك (اجازه)

سید الملك - البته آقایان می دانند که انجمن ایالتی ولایتی اعضایش از متمدین محل معین میشود و در قانون سابق نوشته شده بود در جاهائیکه انجمن ایالتی و چهار نفر از متمدین محل برای انجمن نظارت معین میشود نمی دانم نقطه نظر کمیسیون چه بوده است که در قانون جدید عده آن اعضاء را دو نفر معین کرده اند خوب است که آقای مخبر توضیح بدهند علت چه بوده است .

مخبر - در انتخابات هر قدر عامه مردم بیشتر دخالت و شرکت داشته باشند البته آن انتخابات بصحت نزدیک تر میشود و چون ممکن بود انجمن ولایتی بنظر يك عده مخصوصی که اکثریت شامل حال آنها بوده است انتخاب بشود و يك عده دیگر محروم بشوند (و لولاً نتیجه اکثریت انتخاب می کند)

ولی چون انجمن نظارت در بدو امر بایو متصدی امر انتخابات باشد باین جهت کمیسیون خواست که شرکت عامه در این انتخاب هم بیشتر باشد یعنی دو نفر از اعضاء انجمن ایالتی با انتخاب خود انجمن معین کرد و ه نفر دیگر با انتخاب سایر مردم معین شود که تمام مردم در انتخاب انجمن نظارت شریک باشند حالا با این ترتیب اگر نظر آقایان این بوده است که ۲ نفر باشند اهمیت ندارد .

رئیس - آقای آقامیرزا علی (اجازه)

آقامیرزا علی - کازرئی یکی از مسائل خیلی مهمه راجع با انتخابات مسئله انجمن نظارت و انتخاب هیئت نظار است بنده تقریباً ده دوازده مرتبه عضو انجمن نظار بودم و دومرتبه هم عضو انجمن ایالتی و رئیس انجمن ایالتی بودم و کاملاً از ترتیب جریان امور راجع با انتخاب انجمن و تأییداتی که انجمن نظار در مردم دارد مستحضر هستم و با این طریقی که در این قانون نوشته است مخالفم برای آنکه این قانون دعوت مردم را بحکومت واگذار می کند که سی نفر تاصد نفر از مردم را بسبب خودش دعوت کند و البته تصدیق میفرمائید در این صورت حاکم يك عده اشخاص را برای

وازاده خودش دعوت میکند و این اشخاص ممکن است بر طبق میل او کارها را خاتمه بدهند و بنده متقدم که بایستی نفوذ حکومت را مخصوصاً در این ماده مسلک کنیم و معتقد نیستم که متصدی این امر حکومت باشد و چون یک امر قانونی است اولاً بایستی این کار بتوسط رئیس عدلیه انجام بگیرد نهایت اینکه اجرائش باید بتوسط حکومت بانظمیه باشد تا بنیاداً در خصوص دعوتی که حکومت یا رئیس عدلیه میکند (هر کس را که مجلس مقدس تصویب کند بنده هم باید اطاعت کنم) بنده متقدم که علاوه بر این عهده که در این قانون برای دعوت خصوصی حکومت معین کرده است بدیگر هم حق بدهند که حاضر شوند آنوقت از مجموع همه حضار برای مخفی عده که برای انجمن نظار لازم است انتخاب نماید و در همان مجلس رأی بدهند و استخراج کنند البته همانطوری که در این قانون نوشته شده اشخاصی که حکومت دعوت میکند باید معروف و معتمد باشد و اگر معتمد نبودند که دعوت نمیشدند چون محتمل است حکومت بهیل خودش یک عده را انتخاب کند و ممکن است محل اعتماد مردم نباشند ولی حکومت بگوید من اینها را معتمد میدانم بهرحال بنده با این ترتیب مخالفم

**رئیس - آقای شیخ الرئیس (اجازه)**

**شیخ الرئیس -** معروف است که مار گرفته حق دارد از در میان سپاه و سفید بترسد و آقای کازرونی هم بواسطه ملاحظه نمودن بعضی ادوار انتخابیه و بعضی دوسیهها شاید حق داشته باشند که سوعظن پیدا کنند ولی اگر بخواهیم باین شدت دامنه سوعظن را توسعه بدهیم در تمام کارها لنگ خواهیم ماند و بالاخره انتخابات هم مسئول لازم دارد و متصدی امر انتخابات باید دولت باشد و کسی که برای اینکه صلاحیت دارد حکومت است و در تمام حوزه های انتخابیه مأمور وزارت داخله که حا کیم یا معاون او است باید حاضر باشند اینک میفرمایند مأمور انتخابات رئیس عدلیه باشد بنده عرض میکنم اولاً رؤسای عدلیه در همه جا نیستند و شاید در تمام ایران صد نفر رئیس عدلیه بیشتر نباشد و ثانیا اگر هم باشند خیلی بی تناسب است مثلا در یکی از نقاط رئیس صلحیه است در یک جا رئیس ابتدائی است و در یک نقطه رئیس استیضائی است و اگر حکومت در انتخابات مداخله نکند بر اشکالات انتخابیه میافزاید و البته خاطر آقایان مسبوق است که انتخابات دوره اول اینطور بود که چهار نفر از مأمورین دولت و سه نفر از اعضاء انجمن ولایتی برای انجمن نظار معین میشدند بعد از قانون سابق سه نفر از انجمن ولایتی و چهار نفر از معتمدین محل بیش بینی شد ولی بواسطه اشکالاتی که در انجمن نظار دیده شد

از قبیل تغییر پیدا شدن در اعضاء انجمن و استعفاءی اجباری بعضی اعضاء و خواستن انجمن يك وجهه ملی داشته و بطور انتخاب معین شود و حکومت فقط مأمور دعوت اشخاص باشد یعنی در جاهاییکه عده خیلی کم است آنها را جمع آوری می نماید ولی در شهرهای درجه اول صد نفر و در شهرهای کوچک کمتر از ۳۰ سی نفر از معروفین و معتمدین محل را دعوت کرده میشوند چگونه ممکن است که در میان این صد نفر پنج نفر محل اطمینان نباشد به مجرد دعوت حکومت که نمیشود گفت هر صد نفر محل اعتماد نیستند و بالاخره صد نفر یا سی نفر که از طرف حکومت دعوت میشوند باید سواد هم داشته باشند و آنوقت آنها نمایانند که کی سزاوار است از برای اینکه انتخاب شود و بعد از آنها انتخابی می کنند حاصل آنکه اینها هیچ اختیاری برای حکومت نیست و گمان نمیکنم پیش از این هم بشود اختیار را از حکومت سلب کرد و این ماده خیلی خوب ماده ای است این ترتیب درسته ۱۳۳۲ در خراسان در این دوره در فارس معمول بود در خراسان مرحوم شاهزاده نیرالدوله اختیار را بخود مردم واگذار کرد و از هر طبقه دویست نفر دعوت کرد و گفت خودتان انجمن نظار را انتخاب کنید و مردم هم راضی بودند و هیچ دخلی هم بانجمن های نظار سابق نداشت انسان نباید این اندازه سوعظن داشته باشد و از این کمتر هم نمیشود مسئولیت را به عهده حکومت گذارد

(جمعی گفتند مذاکرات کافی است)

**رئیس -** رأی میکیریم بکافی بودن مذاکرات آقایان که مذاکرات کافی میدانند قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

**رئیس -** معلوم میشود کافی است (بیخ فقره پیشنهاد به ضوم ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم لفظ اصلی بانجمن ملحق شود (مدرس)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده پانزدهم این قسم نوشته شود در مراکز حوزه های انتخابیه مطابق جدولی که منضم باین قانون است حکومت برای انجمن نظار بمسئولیت معینی معین شود کافی است (مجلس موافقت نمود)

**رئیس -** پیشنهاد میکنم که ماده پانزدهم این قسم نوشته شود در مراکز حوزه های انتخابیه مطابق جدولی که منضم باین قانون است حکومت برای انجمن نظار بمسئولیت معینی معین شود کافی است (مجلس موافقت نمود)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده پانزدهم این قسم نوشته شود در مراکز حوزه های انتخابیه مطابق جدولی که منضم باین قانون است حکومت برای انجمن نظار بمسئولیت معینی معین شود کافی است (مجلس موافقت نمود)

۱ - متصدی امور انتخابیه روسای عدلیه باشند .

۲ - علاوه بر آن عده که از طرف حکومت بدعوت خاص حاضر می شود اعلانی از طرف حکومت منتشر شود که هر کس میل دارد برای شرکت در انتخاب هیئت نظار حاضر شود سپس از مجموع عده حاضر به رأی مخفی هیئت نظار منتخب شوند .

۳ - در مرکز حوزه انتخابیه و حوزه های فرعی این ترتیب اجرا شود .

پیشنهاد می نمایم ماده پانزدهم به ترتیب ذیل نوشته شود

در مراکز حوزه های انتخابیه مطابق جدولی که منضم باین قانون است حکومت با اطلاع رؤساء ادارات دولتی بمسئولین و معتمدین و افراد کافی معروفین و معتمدین طبقات مختلفه را که دارای شرایط انتخاب کردن باشند دعوت نمود عده که برای انجمن نظارت لازم است از بین خود یا اشخاص دیگر بر برای مخفی انتخاب می نمایند

(حاج سیدالمحققین)

**رئیس -** ماده ۱۶ قرائت می شود .

(شرح ذیل قرائت شد)

(ماده شانزدهم)

(انجمن نظارت متصدی و مسئول صحت جریان انتخابات خواهد بود)

**رئیس -** آقای اقبال السلطان .

(اجازه)

**اقبال السلطان -** در ماده ۱۵ فقط مداخله که بحکومت داده شده دعوت اشخاص است برای انتخاب انجمن نظار و در این ماده نوشته می شود انجمن نظارت متصدی و مسئول صحت جریان انتخابات است .

یکی از امور راجعه بانخابات حفظ انتخابات محل انجمن است که در این قانون این مسئولیت به عهده کسی معول نکرده

بنده میخواستم بدانم که بدانم انتظامات مرکز انجمن نظار به عهده کیست آیا به عهده خود انجمن نظار است ؟ او که نمیشود بگویم مرکز انجمن نظار هم بدهد .

البته نظام مرکز انجمن را بایستی یا نظمی یا بحکومت عهده دار شود .

مخبر - البته انتخابات يك مسئولیتی لازم دارد و در ماده ۱۶ این قانون که مطابق ماده ۸ قانون سابق است مسئولیت انتخابات را به عهده انجمن نظار واگذار کرده است اما اینکه م فرمایند اگر راجع به اجرائیات يك احتیاجاتی پیدا شد چه کنند ؟

البته باید بحکومت رجوع کنند ولی چون این مطلب جزو بدیهیات بود ذکر نشد حالا اگر لازم نمی دانند که ذکر شود

بیشتر نهاد نمایند .

**رئیس -** آقای شیخ الرئیس (اجازه)

**شیخ الرئیس -** بنده موافقم

**رئیس -** آقای حاجی شیخ اسدالله (اجازه)

**حاج شیخ اسدالله -** اگر نظر کنم چون این بوده است که یکی مسئولیت را از حکومت سلب کند و فقط دخالت حکومت تا این اندازه باشد که انجمن نظار را تشکیل بدهد و همین که تشکیل شد بر روی کار خودش بنده تصور نمی کنم که انجمن نظار خودش بتواند بتواند از عهده این وظیفه بر آید بعضی از آقایان میفرمایند که نظمی است و مراقبت می کنند در شهرها شاید نظمی باشد و مراقبت کند اما در بلوکات و انجمن های فرعی که نظمی ندارد باید بحکومت نظارت داشته باشد بلکه حسن عملیات خود انجمن نظار هم باید در تحت مراقبت و نظارت حکومت باشد نه اینکه انجمن نظار را که انتخاب کردند یکسوی سوعظن نسبت بحکام و مأمورین دولت پیدا کنیم و انجمن نظار را آزاد بگذاریم .

بنده این را بی ترتیب می دانم و بالاخره عملی نمیشود و اگر شما این قدر سوعظن داشته باشید چطور می توانید بخود انجمن نظار اطمینان کنید ؟

ممکن است خود انجمن هم يك نظریات خصوصی داشته باشد در اینصورت چگونه صندوق آراء را بدست آنها می دهند ؟ ممکن است بعضی از اعضاء انجمن کاندید و کالت باشند و هر نوع دخل و تصرفی که بخواهند در آراء بنمایند پس وزارت خانه که متصدی این امر است بایستی در ایالات و ولایات شب داشته باشد و مراقب جریان انتخابات باشد .

درست است که باید اختیارات و نفوذ حکام را از آنها سلب کرد ولی نظارت حکام در جریان انتخابات نباید از بین برود و باید بحکومت از زمانی که انجمن نظار را انتخاب کرد تا ختم انتخابات قدم بقدم مراقب باشد و این که می گویند انجمن نظار خودش باید مسئول صحت جریان انتخابات باشد بنده با این قسمت مخالف هستم و نمیتوانم رأی بدهم که انجمن هر کاری می خواهد بکند .

**رئیس -** آقای آقا سیدفاضل (اجازه)

**آقا سیدفاضل -** بنده مخالف هستم

**رئیس -** آقای شیخ الرئیس (اجازه)

**شیخ الرئیس -** در اینجا گویا برای آقایان يك احتیاجاتی تولید شده است . يك کار محدود و معین ممکن نیست دو نفر مسئول داشته باشد بجهت اینکه ممکن است هر يك مسئولیت دیگری را مختل نماید

حکومت در مملکت فقط برای حفظ نظام

است و نظام هم منحصر بزمان انتخابات نیست بلکه در هر موقع هر کس بخواهد برخلاف نظم رفتار کند نظمی و حکومت موظف هستند که آن را دستگیر نمایند و یکی از آن مواقع هم موقع انتخابات است و آن نظری که آقایان می فرمایند مناقضی با این عبارت ندارد

ممکن است پیشنهاد کنند که انجمن نظار در تحت مراقبت حکومت باشد ولی مراقبت غیر از مسئولیت است البته در مواقع لازمه انجمن از حکام مساعدت خواهد خواست و آن ها هم کمک هستند که مساعدت نمایند و کسیون هم این قبیل پیشنهادات را قبول میکند ولی مسئول جریان انتخابات خود انجمن حکومت است و چون در ادوار سابقه حکام دخالت های بیمورد در انتخابات کرده اند و نگذاشتند نمایندگان حقیقی انتخاب شوند و تجربیات گذشته کیسیون را وارد کرد که این عبارت را بنویسند حالا آقایان مخالفت مخالف باشند؟ (جمعی گفتند مذاکرات کافی است)

**رئیس -** مذاکرات کافی است؟

(گفتند شد کافی است)

**رئیس -** امتداد جلسه چطور؟

(گفتند آهم کافی است)

**رئیس -** رأی میکیریم بکافی بودن مذاکرات . آقایانیکه مذاکرات کافی می دانند قیام نمایند .

(عده کثیری قیام نمودند)

**رئیس -** معلوم میشود کافی است (چهار فقره پیشنهاد به ضوم ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده شانزدهم بعد از انجمن نظارت لفظ مرکز کبری علاوه شود (فیوضات) بنده پیشنهاد میکنم که به ماده ۱۶ جمله ذیل اضافه شود

جلو گیری از عدم انتظامات در حوزه های انتخابیه در عهده حکومت و نظمی آن حوزه است (ابراهیم قمی)

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۱۶ این قسم نوشته شود

فقط انجمن نظارت متصدی و مسئول صحت جریان انتخاب خواهد بود و حکومت یا نماینده حکومت موظف به نظم و مراقبت در محل انتخابات است (امین التجار)

پیشنهاد مینمایم ماده شانزدهم به ترتیب ذیل نوشته شود:

انجمن نظارت متصدی و مراقب صحت جریان انتخاب خواهد بود

سیدالمحققین

**رئیس -** جلسه ختم بشود یا نه؟

(گفتند بله ختم بشود)

**رئیس -** جلسه آتیه فردا دو ساعت ونیم قبل از غروب . موضوع مذاکرات ؛ اولاً طرح منشوجات وطنی تا بنی لایحه گوگرد نمک ثالثاً لایحه راجع بقرار داد تجاراتی ایران و مصر

**آقای قوام السلطنه (اجازه)**

قوام السلطنه - بنده میخواستم در موضوع بین النهرین و مقالاتیکه در بعضی جرائد نوشته میشود توضیحی بدهم و از مندرجات بعضی جرائد اظهار تأسف کنم . آقایان در نظر دارند قبل از اینکه دولت سابق تغییر بکند در یکی از جرائد درج شده بود که قیومیت دولت انگلیس رادر بین النهرین بنده تصدیق کرده ام و مقارن انتشار این خبر یکی از آقایان نمایندگان راجع باین موضوع سوالی کردند و من در جواب سوال اظهار کردم که حکومت جدید بین النهرین را دولت ایران برسمیت شناخته است و موضوع قیومیت دولت انگلیس هم در بین النهرین مربوط بدولت ایران نبوده است

مقصود بنده این نبوده که دولت ایران بمقدرات بین النهرین بی علاقه است . خبر همیشه ملت ایران نسبت بامور بین النهرین و مقدرات آن مملکت کاملاً متوجه و علاقمند بوده و سعادت این مملکت را آرزو مند بوده است البته این مسئله را روابط و علائق صوری و معنوی که بین ایران و مومنیکیه بین ایران و بین النهرین هست کاملاً ثابت و برقرار نموده است و محتاج بتوضیح نیست اما اینکه گفتیم مربوط بدولت ایران نبوده نظرم این بوده است که چون بین النهرین در موقع جنگ بین المللی بین دول متفق تقسیم شده است و در آن موقع دولت ایران در مجمع اتفاق ملل شرکت نداشته و عضویت دولت ایران را در کنفرانس صلح اروپا نپذیرفته بودند باینجهت این تصمیم مربوط بدولت ایران نبوده است پس چیزی که مربوط به دولت ایران میشود است این بوده که هر وقت در مجمع اتفاق ملل این مطلب مطرح شود نماینده دولت ایران از طرف دولت ایران عقاید دولت را اظهار کند و این مطلب را هم در همان موقع متذکر شدیم که نماینده ایران بموجب دستور دولت متبوعه خودش اظهار کرده بود که باید مقدرات بین النهرین بر وفق آمال ملی و نظریات اهالی ملت بین النهرین تأمین شود بطوریکه آزاد باشند و حکومت و سعادت خود را خودشان برقرار کنند و در تحت فشار واقع نشوند این بوده است نظریه دولت ایران که نماینده آن در مجمع اتفاق ملل اظهار کرده است معذرت با اینکه مطلب را صراحتاً در مجلس شورای ملی گفتیم در همان موقع هم تکذیب کردم و گمان میکنم که سؤال کننده هم قانع شده بود معذالك باز در یکی از جرائد این مطلب را تعقیب کرده بودند حتی در یکی از جرائد نوشته شده بود (بعد از آنکه این مطلب در مجلس تکذیب شد چرا در جراید تکذیب نشده است) حقیقتاً خیلی جای تأسف است بعد از آنکه رئیس دولت يك مسئله را در مجلس تکذیب میکنند و سؤال کننده هم قانع میشود و عین آن مطلب هم در جراید

منتشر می شود معذالك گفته شود که خلاف واقع است!!!

بهرحال باز در همان روزنامه که نمره آرزوش اینطور نوشته بود در چند نمره قبل دیده شد که باز این مطلب را تعقیب کرده و صراحتاً نوشته است که من قیومیت انگلیس را در بین النهرین تصدیق کرده ام و عجیب آنکه نه فقط این مطلب را نوشته بلکه يك تلگراف مجهول را هم بنده نسبت داده و درج کرده بودند و بالاخره يك عادت ناسایسته را هم بنده نسبت داده بودند که البته لازم نیست بنده جواب آن عبارت را بدهم ولی خلاصه نتیجه که از آن تلگراف مجهول موهم گرفته بود این بود که بنده قیومیت دولت انگلیس را در بین النهرین تصدیق کرده ام در صورتیکه بنده این مطلب را در تمام جرائد طهران تکذیب کردم و باز در شماره دیروز همین روزنامه دیده شد که در تحت عنوان:

(تصدیق قیومیت انگلیس در بین النهرین)

نوشته بودند که اگر چه در این موضوع مذاکراتی در مجلس شده که در جراید هم نوشته اند ولی ممکن است بیکی صورت های دیگری تصدیق شده باشد و بالاخره نوشته بودند که ممکن است بطوریکه فرمایشات های بین الدول تصدیق شده باشد مثلاً قرار داد پستی یا هر کی بسته باشند با حق حمایت انگلیس را بر اتباع بین النهرین تصدیق کرده باشند و با از آن بیانات نتیجه گرفته بودند که من قیومیت انگلیس را در بین النهرین تصدیق کرده ام من از آقایان انصاف می خواهم در صورتیکه قیومیت انگلیس در بین النهرین تصدیق نشده باشد چطور ممکن است قرار داد پستی بسته شود ؟

چطور ممکن است که حق حمایت مأمورین انگلیس باتباع بین النهرین تصدیق بشود ؟

بنده لازم دانستم که صراحتاً آقایان عرض کنم که بهیچوجه تصدیقی از قیومیت انگلیس در بین النهرین نشده است . حتی در دو کابینه من چه در دفعه اول و چه در دفعه ثانی با صراحتاً در کمال تاکید بمأمورین ایران تلگراف کردم و دستور دادم که هیچ گونه حق دخالتی بمأمورین انگلیس نسبت بمأمور داخلی بین النهرین ندهند و دوسیه و آرشیبوزارت خارجه هم حاکی از این قضیه است و ممکن است بنظر آقایان برسد باینحال حقیقتاً جای تأسف است در صورتیکه می خواهند غلط يك انتشاراتی بدهند خوب است دیگر نسبت سیاست خارجی مملکت اینطور بی احتیاطانه انتشارات ندهند . زیرا این مطلب فعلاً به من مربوط نمی شود .

منکه استعفا کرده رفته ام ولی اگر يك ضررهای اخلاقی و نتایج سوئی داشته

باشد متوجه بمملکت خواهد بود .

(بعضی گفتند - صحیح است)

**رئیس -** آقای آقا میرزا علی (بازمه)

**آقا میرزا علی کازرونی -** بنده در دو جلسه قبل پیشنهاد کردم که تمام جلسات عصر باشد ولی حالا . . .

(در این موقع جمع کثیری از آقایان نمایانند که از مجلس خارج شدند)

**کازرونی -** آقایان که بلند شدند دفعه دیگر برای کی بگویم خوب آخرش موفق خواهم شد و موقع دیگر خواهم گفت .

(مجلس تقریباً دو ساعت ونیم از شب گذشته ختم شد)

**رئیس -** مجلس مؤتمن الملک

**جلسه ۳۳۷**

**صورت مشروح مجلس**

**یوم پنجشنبه ۲۶ ذی القعدة ۱۳۰۱**

**مطابق ۱۸ جمادی الثانی ۱۳۴۱**

(مجلس یک ساعت ونیم قبل از غروب بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید صورت جلسه یوم چهارشنبه ۲۵ ذی القعدة آقای امیرناصر قرائت نمودند

**رئیس -** آقای شیخ الاسلام اصفهانی (اجازه)

**شیخ الاسلام -** بنده در صورت جلسه عرضی ندارم بعد از تعویب صورت جلسه دو کلمه عرض دارم

**رئیس -** صورت جلسه ایرادی ندارد؟ (اظهاری نشد)

آقای داور بواسطه کسالت مزاج از ۱۸ دلو الی دهر روز اجازه مرخصی خواسته اند و کیسیون هم تصویب نموده است باید رأی گرفته شود . آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

**حاج شیخ اسدالله -** بعد از انقضای مدت تازه اجازه مرخصی زمان گذشته رامی خواهند ؟ چیزی غیبی است . . .

**یکتفراز نمایندگان -** چه اهمیت دارد ؟

**حاج شیخ اسدالله -** بنده عرض نکردم رأی بدهند البته میدانم اکثریت مجلس رأی خواهد داد و رأی ایشان هم مطاع است ولی بقیه بنده این ترتیب ترتیب خوشی نیست

**رئیس -** آقای اقبال السلطان (اجازه)

**اقبال السلطان -** همه میدانند آقای داور چند روز است جزو غائبین بی اجازه نوشته اند در صورتیکه ایشان مریض بوده اند از این جهت است که اجازه خواسته اند

**رئیس -** آقای رفعت الدوله (اجازه)

**رفعت الدوله -** پنج روز قبل تقاضای اجازه مرخصی آقای داور بکسیسیون آمد و کیسیون آنرا تصویب نمود

**رئیس -** رأی میکیریم بر مرخصی ده